فصلنامه
علمی ـ تخصصی تاریخ در آینهٔ پژوهش
صفحات ۵۳ ـ ۹۰
سال چهارم، شمارهٔ سوم، پاییز ۸۶

A specialized
scientific History quarterly in the
mirror of Research
Vol 4, No.3, Autumn 2007

سیری در مقتل‌نویسی و تاریخ‌نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر

(۲)

محسن رنجبر
پژوهش‌گر و دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

چکیده

پژوهش حاضر در دو مقطع کلی به شناسایی و معرفی مقاتل و نگاشته‌های مربوط به تاریخ عاشورا از آغاز تا عصر حاضر می‌پردازد. در مقطع نخست در دو بخش سامان یافته که در بخش اول آن به شناسایی و معرفی فهرست‌وار مقاتل از آغاز تا قرن هفتم پرداخته و در بخش دوم، آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم به صورت توصیفی معرفی شده است. اما مقطع دوم که درباره مقاتل و نگاشته‌های قرن هشتم تا چهاردهم است، نیز شامل دو بخش است. در بخش نخست، پس از بیان یک مقدمه، به شناسایی و معرفی چند اثر مهم از قرن هشتم تا عصر حاضر پرداخته و در بخش دوم مهم‌ترین آثار قرن‌های اخیر که نقش بسزایی در تحریف و ارائهٔ گزارش نادرست و جعلی و در برخی موارد، افسانه‌ای، دربارهٔ قیام عاشورا داشته‌اند، شناسایی و معرفی شده است.

چنان‌که در شمارهٔ پیشین گفته شد، به سبب گستردگی این پژوهش، این نوشتار در سه قسمت، ارائه می‌شود. قسمت نخست آن که مربوط به مقطع نخست (از آغاز تا قرن هفتم و شامل دو بخش) است، در شمارهٔ پیشین چاپ شد و ادامهٔ آن، یعنی قسمت

دوم، در این شماره به چاپ می‌رسد. اما قسمت سوم آن که مربوط به مقطع دوم است، در شمارهٔ بعدی به چاپ خواهد رسید.

واژگان کلیدی: امام حسین علیه‌السلام، عاشورا، مقتل‌نگاری و قرن دوم تا هفتم.

اشاره

چنان‌که گفته شد، بخش دوم مقطع نخست، به معرفی توصیفی آثار موجود در تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، اختصاص دارد که به سبب طولانی بودن این بخش، ادامهٔ آن در این شماره، به چاپ می‌رسد. و از هشتمین اثر آغاز می‌شود:

۸. تاریخ الرسل و الامم و الملوک، ابوجعفرمحمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ق)

طبری ذیل حوادث سال‌های ۶۰ و ۶۱ ق حوادثی را که منجر به واقعهٔ عاشورا شد، شرح داده است. بخش بزرگ گزارش عاشورا در این اثر، مرهون گزارش‌های *مقتل‌الحسین* ابومخنف است. وی این گزارش‌ها را به واسطهٔ هشام بن محمد بن سائب کلبی، شاگرد ابومخنف، از وی نقل کرده است. اسناد طبری در این باره چنین است: «قال هشام بن محمد عن ابی‌مخنف» یا «قال هشام، قال ابومخنف» و یا «حدثتُ عن هشام، عن‌ابی‌مخنف...».[۱] افزون بر این، طبری از خودِ مقتل هشام نیز بهرهٔ بسیار برده و برخی گزارش‌ها را که هشام از غیر ابومخنف نقل کرده، آورده است.[۲] در حقیقت، هشام همهٔ کتاب یا بیشتر روایات ابومخنف را با اضافاتی که از طرق دیگر داشته، به صورت کتابی تدوین و تنظیم کرده، آنگاه یک قرن بعد، طبری از آن بهرهٔ کامل برده است.

طبری گزارش‌های واقدی را نیز نادیده نگرفته است.[۳] هم‌چنین وی بر اساس روایت عمار دُهنی، مطالبی از امام باقر علیه‌السلام در خصوص مرگ معاویه و بیعت‌خواهی

۱. طبری، *تاریخ الرسل و الملوک*، ج ۴، ص ۲۵۰، ۲۶۷، ۲۸۶، ۳۰۲، ۳۱۱، ۳۳۱، ۳۵۵ و ۳۵۷ ـ ۳۵۸.
۲. همان، ص ۲۶۰، ۲۶۵، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۱۰، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۴، ۳۵۶ و ۳۵۸.
۳. همان، ص ۲۵۵ و ۲۹۶.

ولید بن عتبه (حاکم مدینه) از امام حسین علیه‌السلام تا بازگشت اهل بیت به مدینه و عزاداری بنی‌هاشم در این شهر، در دو بخش آورده[۱] که منبع مکتوب آن نامشخص است. طبری در بخش نخست نقل یاد شده، ابتدا گزارش واقعه را از ابتدا تا پایان شهادت مسلم بن عقیل به اختصار از عمار دهنی نقل کرده و سپس تفصیل آن را به نقل از ابومخنف آورده است.[۲]

مجموع گزارش‌های حادثهٔ کربلا در *تاریخ طبری* با عنوان «استشهاد الحسین» با تحقیق سید جمیلی به ضمیمهٔ رسالهٔ *رأس الحسین* ابن‌تیمیه چاپ شده است.[۳] هم‌چنین گزارش‌های طبری دربارهٔ قیام امام حسین علیه‌السلام به اهتمام حجت‌الله جودکی ترجمه و تصحیح و با عنوان *قیام جاوید: گردانیدهٔ مقتل الحسین ابی‌مخنف* چاپ شده است.[۴]

۹. تاریخنامهٔ طبری، ابوعلی بلعمی (قرن چهارم)

بلعمی، گزارش واقعهٔ کربلا را با عنوان «خبر پادشاهی یزید بن معاویه» آغاز کرده و با گزارشی درباره فرستادن اسرای اهل‌بیت علیهم‌السلام به مدینه توسط یزید، پایان داده است.[۵] با آن‌که مشهور است که تاریخ بلعمی ترجمهٔ فارسی *تاریخ طبری* است، اما چنان‌که متن این اثر خود گواه است با یک بررسی اجمالی، به سهولت می‌توان دریافت که این اثر، ترجمهٔ تمام و دقیق گزارش‌های طبری نیست، بلکه ترجمه و برداشت اختصارگونه از *تاریخ طبری* همراه با افزوده‌هایی از سوی مترجم است. از این رو در همین بخش مورد بحث، یعنی گزارش قیام امام حسین علیه‌السلام، شاهد گزارش‌هایی هستیم که به هیچ رو در متن *تاریخ طبری* وجود ندارد، چنان‌که او مدعی است که امام حسین علیه‌السلام به پیشنهاد و ابتکار ابن‌عباس، مسلم بن عقیل را روانهٔ کوفه

۱. ج ۴، ص ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۹۲ و ۲۹۴.
۲. همان، ص ۲۵۷ و ۲۶۰.
۳. بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۱۷ ق.
۴. چاپ اول: تهران مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.
۵. بلعمی، *تاریخنامه طبری*، ج ۴، ص ۶۹۸ ـ ۷۱۵.

کرد![1] یا سن طفل شیرخوار امام علیه السلام یک سال بوده[2] یا بدن مطهر امام حسین علیه السلام بی سر و پا(!) به همراه دیگر شهدا، سه روز روی زمین کربلا افتاده بود[3] و یا گزارش محل دفن امام حسین علیه السلام، حضرت علی‌اکبر و حضرت عباس را نگاشته است،[4] حال آن‌که چنین گزارش‌هایی را به هیچ رو نمی‌توان در تاریخ طبری یافت و تنها مورد آخر در گزارش شیخ مفید در *الارشاد* آمده است.[5]

نکتهٔ آخر آن‌که بخش مربوط به امام حسین علیه السلام از *تاریخنامهٔ طبری*، به اضافهٔ گزارش قیام مختار و خون‌خواهی وی از روی نسخه‌ای که از قرن ششم بر جای مانده، با عنوان *قیام سیدالشهداء حسین بن علی علیه السلام و خونخواهی مختار* چاپ شده است.[6]

۱۰. کتاب الفتوح؛ ابومحمد احمد بن اعثم کوفی (م ۳۱۴ ق)[7]

ابن‌اعثم کوفی در کتابش با عنوان *الفتوح* به بیان حوادث تاریخ اسلام پس از رحلت پیامبر، به‌ویژه جنگ‌ها و فتوحات خلفا و حاکمان اسلامی بر اساس تسلسل زمانی حوادث، پرداخته است. وی به مناسبت بیان حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق متناسب با ساختار کتاب خود، به نهضت عاشورا پرداخته است. به سبب اهمیت این حادثه، وی حدود ۱۵۷ صفحه (یعنی حدود یک دهم) از کتاب خود را به گزارش این حادثه اختصاص داده است. ابن‌اعثم گزارش قیام عاشورا را با عنوان «ابتداء أخبار مقتل مسلم بن عقیل و الحسین بن علی و

---

۱. همان، ج ۴، ص ۶۹۹.
۲. همان، ص ۷۱۰.
۳. همان، ص ۷۱۲.
۴. همان.
۵. مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۱۴.
۶. به کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ و نیز تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۷. حموی دربارهٔ او گفته است که ابن‌اعثم کتاب تاریخی دارد تا پایان عصر مقتدر (*معجم الادباء*، ج ۲، ص ۲۳۱). از این عبارت دانسته می‌شود که او تا پایان عصر خلافت مقتدر، یعنی سال ۳۲۰ ق زنده بوده است.

ولده و شیعته» آغاز کرده[۱] و با گزارش بازگرداندن محترمانه اسرای اهل‌بیت به مدینه توسط یزید، به پایان رسانده است.[۲]

سبک تاریخ‌نگاری ابن‌اعثم همانند یعقوبی و دینوری، بدون ذکر سند و ترکیبی و در برخی موارد، قصه‌پردازی و داستان‌سرایی است،[۳] از این رو گزارش‌های او را دربارهٔ واقعهٔ عاشورا، بایستی با احتیاط و با مقابله و مقایسه با اخبار ابومخنف در *تاریخ طبری* و *الارشاد* شیخ مفید و گزارش‌های مورخانی همانند بلاذری و دینوری بررسی کرده و در صورت عدم تعارض و مخالفت، به آن اعتنا کرد. با این همه، این اثر از منابع مهم و کهن تاریخی است که در طول زمان، شیعه و سنی به آن استناد کرده‌اند. برای نمونه، برخی از اخبار *المناقب* ابن شهرآشوب و *بحارالانوار* و بسیاری از مطالب *مقتل الحسین*علیه‌السلام خوارزمی، از این کتاب گرفته شده است.

هم‌چنین برخی از گزارش‌های ابن‌اعثم، از ارزش خاصی برخوردار است، زیرا وی در نقل آن بر همهٔ مورخان، پیشی گرفته است، همانند گزارش متن وصیت‌نامهٔ امام حسین‌علیه‌السلام به محمد حنفیه و جملهٔ مشهور حضرت دربارهٔ فلسفهٔ قیام خویش: «و انی لم أخرج أشراً و لا بطراً و...».[۴]

---

۱. ابن‌اعثم، *کتاب الفتوح*، ج ۴، ص ۳۲۲.

۲. همان، ج ۵، ص ۱۳۴.

۳. برای نمونه، او گزارش مفصل چگونگی خروج امام از مدینه را برخلاف تمام گزارش‌های معتبر این گونه نگاشته است که ابتدا امام حسین‌علیه‌السلام به بیعت فرا خوانده می‌شود، پس از مخالفت حضرت و احتجاج وی با مروان در راه خروج از منزل خود، ولید بن عتبه حاکم مدینه، خبر آن را به شام می‌فرستد که طبیعتاً دریافت پاسخ یزید، چندین روز به درازا می‌کشد و چون نامهٔ یزید مبنی بر دستور کشتن امام به دست ولید می‌رسد، امام حسین‌علیه‌السلام چندین شب در مدینه توقف کرده و بر سر قبر جدش پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله حاضر شده و سپس شبانه (ظاهراً شب سوم) از مدینه خارج می‌شود (همان، ج ۵، ص ۱۰ ـ ۲۲). در حالی که بر اساس منابع معتبر که قراین، شواهد و شرایط حاکم نیز همین را اقتضا می‌کرده است، امام حسین‌علیه‌السلام شب اول به قصر ولید حاکم مدینه رفت و شب دوم از مدینه خارج شد.

۴. همان، ج ۵، ص ۲۵. البته چنان‌که خواهیم نوشت بعدها ابن شهرآشوب (م ۵۸۸ ق) این جملهٔ مشهور را در قالب پاسخ شفاهی(نه وصیت‌نامه) امام حسین‌علیه‌السلام به پیشنهاد عبدالله بن مطیع، محمد حنفیه و ابن‌عباس مبنی بر منع رفتن حضرت به عراق آورده است. نکته دیگر در این باره آن‌که در برخی منابع متأخر

از دیگر گزارش‌های ارزش‌مند او نقل خطبهٔ انقلابی و پرشور حضرت زینب در نکوهش کوفیان هنگام اسارت در کوفه است که ابن‌اعثم پس از ابن ابی‌طیفور[۱] (م ۲۸۰ ق)، دومین ناقل این خطبه است. هم‌چنین ابن‌اعثم در ارائهٔ گزارش احتجاج پیرمرد شامی با امام سجاد هنگام ورود اسرا به شام و مجاب شدن پیرمرد و توبه کردن وی،[۲] بر تمام مورخان و مقتل‌نویسان، تقدم دارد و به نظر می‌رسد که شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) هم که بعدها آن را نقل کرده،[۳] از ابن‌اعثم گرفته است. هم‌چنین کهن‌ترین منبع موجود دربارهٔ خطبهٔ امام سجاد علیه‌السلام در مجلس یزید نیز این کتاب است.[۴] هم‌این‌طور وی برخی از اخبار را دربارهٔ آگاهی امام حسین علیه‌السلام از شهادتش آورده است. یکی از این موارد، جریان خواب امام حسین علیه‌السلام کنار قبر جدش پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در مدینه است که طی آن رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به حضرت فرمود:

> به زودی می‌بینم که تو در سرزمین کربلا به دست گروهی از امتم کشته خواهی شد، در حالی که تشنه هستی و سیراب نمی‌شوی.[۵]

افزون بر این، ابن‌اعثم، اخبار مربوط به پیش‌گویی ملائکه و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حتی خبری از کعب‌الاحبار یهودی دربارهٔ شهادت امام حسین علیه‌السلام را آورده است.[۶] این در حالی است که چنین گزارش‌هایی در منابع متقدم و یا معاصر ابن‌اعثم، کمتر و در حد اشاره، به چشم می‌خورد.

☜ شیعی، همانند *بحار الانوار* این جملهٔ مشهور در همان قالب وصیت‌نامه آمده است (ر.ک: *بحار الانوار*، ج ۴۵، ص ۳۲۹ ـ ۳۳۰) و علامهٔ مجلسی اگرچه، این نقل را از کتاب *تسلیة المُجالس و زینة المَجالس* سیدمحمد بن ابی‌طالب موسوی نقل کرده است، اما با اندکی بررسی و مقایسه، می‌توان به این نکته پی برد که *تسلیة المجالس* نیز از *مقتل الحسین* خوارزمی گرفته که او نیز به نوبهٔ خود، از ابن‌اعثم گرفته است.

۱. ابن ابی‌طیفور، *بلاغات النساء*، ص ۲۳ ـ ۲۴.
۲. ابن‌اعثم، *کتاب الفتوح*، همان، ج ۵، ص ۱۳۰.
۳. شیخ صدوق، *الامالی*، مجلس ۳۱، ص ۲۳۰، شماره ۳.
۴. ابن اعثم، همان، ج ۵، ص ۱۳۲ ـ ۱۳۳.
۵. همان، ص ۱۹ و نیز ص ۸۷ و ۹۹ ـ ۱۰۰.
۶. همان، ج ۴، ص ۳۲۳ ـ ۳۲۷.

ترجمه کتاب الفتوح

کتاب الفتوح در قرن ششم (۵۹۶ ق) از آغاز دوران خلافت ابوبکر تا پایان حادثهٔ عاشورا به قلم و انشای محمد بن احمد مستوفی هروی[۱] ترجمه شده که چندی پیش تصحیح و منتشر شده است.[۲] از آن‌جا که مترجم، تمایلات شیعی داشته، برخی از تعابیر و باورهای شیعی را در ترجمه افزوده است.[۳]

بخش پایانی این ترجمه، مربوط به حادثهٔ عاشورا از آغاز تا فرجام آن است و با متن اصلی تفاوت‌هایی دارد که با بررسی و تطبیق متن اصلی و ترجمه، این تفاوت‌ها دانسته می‌شود. برای نمونه، در جریان آگاهی ابن زیاد ازحفر چاه توسط امام‌حسین علیه‌السلام درکربلا، مترجم گزارش کیفیت حفر چاه را توسط حضرت همانند خوارزمی آورده است که در گزارش ابن‌اعثم نیست.[۴] محتمل است گزارش یاد شده یا در نسخهٔ موجود از فتوح نزد مترجم بوده و یا وی این گزارش را از مقتل خوارزمی گرفته و در تکمیل گزارش ابن‌اعثم، به متن ترجمه افزوده است. هم‌چنین مترجم، افرادی مانند مالک بن اوس مالکی[۵] و عمرو بن خباوه[۶] را از اصحاب امام حسین علیه‌السلام دانسته که نه‌تنها در گزارش ابن‌اعثم از آنان نام برده نشده، بلکه در هیچ منبع معتبری، یارانی به نام‌های یاد شده برای امام علیه‌السلام گزارش نشده است. نکتهٔ آخر در این باره آن‌که بخش مربوط به امام‌حسین علیه‌السلام این ترجمه، با عنوان *قیام امام حسین علیه‌السلام (برگزیده از کتاب الفتوح)* به صورت مستقل چاپ شده است.[۷]

۱۱. العقد الفرید؛ احمد بن محمد بن عبد ربّه اندلسی (م ۳۲۸ ق)

ابن‌عبد ربّه اندلسی به مناسبت بیان حوادث سال ۶۱ ق چند صفحه‌ای از نگاشتهٔ

---

۱. درباره مترجم *کتاب الفتوح* که یک یا دو نفر بوده است، ر.ک: ترجمهٔ *فتوح*، مقدمهٔ مصحح، ص ۱۸ به بعد.
۲. تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۸۱۹ و ۹۲۴.
۳. برای نمونه، مقایسه شود صفحات ۴۹۹، ۵۶۷، ۶۴۴ و ۸۱۱ از ترجمهٔ فتوح به ترتیب با متن کتاب الفتوح، ج ۲، ص ۴۹۵؛ ج ۳، ص ۷۷ و ۱۵۹ و ج ۴، ص ۳۴۶.
۴. ابن‌اعثم، *ترجمه کتاب الفتوح*، ص ۸۹۳ مقایسه شود با *کتاب الفتوح*، ج ۵، ص ۹۱.
۵. ابن‌اعثم، *ترجمه کتاب الفتوح*، ص ۹۰۵.
۶. همان.
۷. تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ۱۰۹ صفحه.

خود را به قیام عاشورا اختصاص داده[۱] و به اختصار به سیر قیام امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان پرداخته است. نکته قابل توجه در این نگاشته، اخبار مورخان و مقتل‌نویسانی است که او از آن‌ها بهره برده است. وی آغاز گزارش خود را از مقتل قاسم بن سلام هروی که از بین رفته، به واسطهٔ شخصی به نام علی بن عبدالعزیز نقل کرده است. سپس از محدثان، مورخان و نسب‌شناسانی، همانند زبیر بن بکار (به واسطهٔ علی بن عبدالعزیز)، ضحاک بن عثمان خزاعی، شعبی (به نقل از یحیی بن اسماعیل) و حسن بصری (به نقل از ابوالحسن مدائنی) اخباری را آورده است. از گزارش‌های خلاف مشهور ابن عبد ربّه که از قاسم بن سلام نقل کرده، جریان دیدار امام علیه السلام با عبدالله بن مطیع در راه مکه است که وقتی وی از حضرت سؤال می‌کند کجا می‌روی؟ حضرت می‌فرماید: به عراق، چون از سوی آنان بیش از یک بار (شتر) برایم نامه (دعوت) آمده است![۲] در حالی که ـ چنان‌که نگاشته خواهد شد ـ دعوت عراقیان، چند روز پس از اقامت حضرت در مکه بوده است.

۱۲. کتاب المحن؛ ابوالعرب محمد بن احمد بن تمیم تمیمی (م ۳۳۳ ق)

نویسنده این اثر، گزارشی دربارهٔ شهادت امام حسین علیه السلام، به‌ویژه حوادث خارق‌العاده پس از آن، از قبیل پدیدار شدن سرخی در آسمان و برآمدن خون از زیر سنگ‌ها، آورده است.[۳] شش صفحهٔ نخست گزارش وی، همان گزارش قاسم بن سلام است که ابن عبد ربّه نیز آن را نقل کرده است.

۱۳. مروج الذهب و معادن الجوهر؛ ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی (م ۳۴۶ ق)

مسعودی، مورخ و جغرافی‌دان مشهور قرن چهارم از نوادگان عبدالله بن مسعود،[۴] صحابی بزرگ رسول‌خدا صلی الله علیه و آله است. او به مناسبت گزارش حوادث سال ۶۱ ق چند

۱. ابن عبد ربه، *العقد الفرید*، ج ۴، ص ۳۵۲ ـ ۳۶۲.
۲. همان، ص ۳۵۲.
۳. تمیمی، *کتاب المحن*، ص ۱۴۲ ـ ۱۵۵.
۴. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ص ۱۷۱.

صفحه‌ای از اثر خود را به گزارش واقعهٔ کربلا اختصاص داده است.[۱] اگرچه گزارش او دربارهٔ واقعهٔ عاشورا همان گزارش‌های مشهور منابع کهن است، اما برخی از گزارش‌ها را تنها او آورده است. برای نمونه، تاریخ ورود مسلم بن عقیل را به کوفه، پنجم شوال نگاشته است.[۲] هم‌چنین آمار اصحاب امام علیه‌السلام را هنگام روانه شدن به کربلا به همراه سپاه حرّ، پانصد سوار و حدود صد پیاده،[۳] و آمار شهدای کربلا را ۸۷ نفر نوشته است.[۴]

۱۴. البدء و التاریخ؛ مطهر بن طاهر مقدسی (م پس از ۳۵۵ق)

نویسنده این اثر نیز مباحثی چون بیعت ستاندن یزید، سفر مسلم به کوفه، واقعهٔ کربلا و اشعار یزید هنگام چوب زدن بر لبان امام حسین علیه‌السلام را در چند صفحه از تاریخ خود آورده است.[۵]

۱۵. مقاتل الطالبیین؛ ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق)

از میان شیعیان غیر امامی نیز، ابوالفرج اصفهانی (م ۳۵۶ق) که اُموی نسب و گرایش شیعی داشته،[۶] با تدوین کتاب *مقاتل الطالبیین*، ضمن نقل روایات مسند درباره قیام‌ها و کشته‌های خاندان ابوطالب، حدود ۳۸ صفحه را به مقتل امام حسین علیه‌السلام و اهل‌بیت و اصحاب او و نیز اسارت خاندانش اختصاص داده است.[۷]

درگزارش ابوالفرج از مقتل امام حسین علیه‌السلام، ابتدا اسامی و چگونگی شهادت ۲۳ تن از شهدای بنی‌هاشم (با احتساب امام حسین علیه‌السلام) آمده، و در ادامه، چگونگی

---

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۳، ص ۶۵ ـ ۷۳.
۲. همان، ص ۶۵.
۳. همان، ص ۷۱.
۴. همان، ص ۷۲. البته پس از او، مقدسی نیز چنین آماری را در کتابش آورده است (*البدء و التاریخ*، ج ۶، ص ۱۱).
۵. *البدء و التاریخ*، ج ۶، ص ۱۳۸.
۶. از کتاب مقاتل الطالبیین او می‌توان این گرایش را استنباط کرد، اما تشیع امامی را نمی‌توان به او نسبت داد.
۷. ابوالفرج اصفهانی، *مقاتل الطالبیین*، ص ۸۴ ـ ۱۲۱. شیوهٔ ابوالفرج در نقل روایات، معمولاً شیوهٔ روایی و به صورت نقل خبر همراه با ذکر سند است.

شهادت مسلم بن عقیل در کوفه با تفصیل بیشتر گزارش شده است. وی در نهایت، جریان شهادت امام حسین علیه‌السلام و سپس گوشه‌هایی از گزارش‌های مربوط به اسارت اهل‌بیت حضرت را آورده و در مجموع، بنای وی بر ایجاز و عدم تفصیل بوده است.

ابوالفرج اخبار مربوط به حادثهٔ کربلا را از راویانی چند نقل کرده، اما بخش اصلی حادثه، یعنی شهادت امام حسین علیه‌السلام و مقدمات آن را از ابومخنف نقل کرده است و در واسطه‌های میان او و ابومخنف، گاه نام نصر بن مزاحم منقری،[1] و گاه نام ابوالحسن مدائنی[2] آمده است. وی روایاتی نیز از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام در این زمینه نقل کرده است.[3] در برخی موارد، هم‌چون گزارش چگونگی شهادت حضرت چند روایت را ترکیب کرده و پس از ذکر سندها، یک جا، به نقل متن آن‌ها پرداخته است. شیوه روایی و تأکید بر نقل اسناد توسط ابوالفرج موجب شده که امکان نقد سندی در روایات او فراهم شود، و نیز از این ناحیه، امکان احیای اثر از بین رفته ابومخنف در مقتل نیز (تا حدی که ابوالفرج از او نقل کرده) امکان‌پذیر شده است. ابوالفرج در برخی موارد، اشعاری نیز از شعرای مرثیه‌سرا، هم‌چون کمیت بن زید اسدی[4] و سلیمان بن قته[5] آورده است.

۱۶. شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار علیهم‌السلام؛ قاضی نعمان تمیمی مغربی (م ۳۶۳ ق)

از دیگر شیعیان که در این قرن، روایات مربوط به مقتل امام حسین علیه‌السلام را نقل کرده، قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی است. وی در کتاب خود با عنوان شرح *الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار* علیهم‌السلام بیش از پنجاه روایت دربارهٔ شهادت امام حسین علیه‌السلام و حادثهٔ عاشورا و وقایع پس از آن نقل کرده است.[6]

---

۱. همان، ص ۱۱۳.
۲. همان، ص ۸۵، ۹۲، ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۹ و ۱۱۴.
۳. به ترتیب: یک، نه و چهار روایت، در ص ۸۵، ۸۸، ۹۰، ۹۱ ـ ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۹۹ و ۱۱۳.
۴. همان، ص ۹۰.
۵. همان، ص ۱۲۱.
۶. قاضی نعمان، *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار* علیهم‌السلام، ج ۳، ص ۱۳۴ ـ ۱۹۹، شمارهٔ ۱۰۷۴ ـ ۱۱۲۸.

قاضی نعمان پیشینه غیر شیعی داشته و از پیروان مذهب مالکیه[۱] (و به قولی حنفیه)[۲] بوده و سپس به تشیع گراییده است، ولی در این‌که تشیع وی امامی بوده یا اسماعیلی، میان شرح حال نویسان اتفاق نظر نیست. بسیاری از عالمان شیعی و برخی از شرح حال نویسانِ غیر شیعی او را شیعهٔ امامی دانسته‌اند، اما به سبب تقیه از دولت فاطمی، این امر را در نوشته‌هایش بروز نمی‌داده است، و از این رو از امامان پس از امام صادق علیه‌السلام با کنیه‌های مشترک یاد کرده است.[۳]

وی ابتدا روایاتی را که مربوط به اصل شهادت امام حسین علیه‌السلام و إخبار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام از این امر است، نقل کرده و سپس سیر حرکت حضرت از مدینه تا کربلا، شهادت مسلم در کوفه، مواجهه و شهادت حضرت و وقایع پس از آن، هم‌چون اسارت اهل‌بیت علیهم‌السلام و مجلس ابن‌زیاد و یزید را آورده است. او درباره این‌که علی اکبر آیا امام سجاد علیه‌السلام بوده یا خیر، دو قول نقل کرده و نیز در این‌که تعداد اصحاب امام علیه‌السلام ۷۲ نفر بوده یا کمتر، دو احتمال مطرح کرده است. بنا به نقل وی، قاتل امام علیه‌السلام، سنان بن انس نخعی بوده و قاطع رأس حضرت، خولی. معرفی اسامی شهدای اهل‌بیت امام علیه‌السلام، از دیگر بخش‌های گزارش‌های او در مقتل است. گزارش‌های وی معمولاً مسند است، اما به این صورت که بخشی از سند را نقل و بخش دیگر را به اسناد راوی وامی‌گذارد.

۱۷. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ محمد بن محمد بن نعمان، معروف به «شیخ مفید» (م ۴۱۳ ق)

شیخ مفید در فصل مربوط به امام حسین علیه‌السلام، پس از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بیشترین

---

۱. ابن‌خلکان، *وفیات الاعیان و أنباء أبناء الزمان*، ج ۵، ص ۴۱۵.

۲. ابن تغری بردی، *النجوم الزاهره فی احوال ملوک مصر و القاهره*، ج ۴، ص ۱۰۶.

۳. درباره زندگی، اعتقادات و مذهب و آثار او، ر.ک: *مقدمهٔ شرح الاخبار*، به قلم محقق سیدمحمد حسینی جلالی، قم، مرکز انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۵ ۸۲. هم‌چنین محقق دیگری دربارهٔ مذهب او پژوهش مفصلی کرده و با ارائهٔ دلایل و شواهدی، اسماعیلی بودن وی را اثبات کرده است (ر.ک: امیر جوان‌آراسته، «قاضی نعمان و مذهب او»، *فصلنامه هفت آسمان*، سال سوم، ش ۹ و ۱۰، ۱۳۸۸، ص ۵۸ به بعد.

حجم از کتاب خود (یعنی حدود ۱۰۹ صفحه،[1] نزدیک به یک هفتم) را به شرح حال و زندگی حضرت و واقعهٔ عاشورا اختصاص داده است که این میزان عنایت و پرداختن وی به این موضوع، اهمیت سترگ این واقعه را نزد او می‌رساند. او ـ چنان‌که خود تصریح کرده است ـ گزارش واقعهٔ کربلا را از هشام کلبی (چنان‌که گفته شد او نیز به نوبهٔ خود بیشتر از مقتل استادش ابومخنف نقل کرده است)، مدائنی و غیر این دو آورده است.

با مطالعه و بررسی اجمالی گزارش شیخ مفید این نکته به سهولت روشن می‌شود که در بیشتر موارد، گزارش‌های *تاریخ طبری* را با حذف اسناد و رعایت اختصار آورده است. این نکته با مقایسهٔ گزارش‌های وی با گزارش‌های طبری که با ذکر سند آورده شده قابل پی‌گیری و اثبات است. نکتهٔ شایان توجه در گزارش‌های شیخ مفید، افزوده‌هایی است که در گزارش‌های طبری نمی‌توان یافت. برای نمونه، گزارش کیفیت نبرد و شهادت حضرت عباس[2] یا تعیین محل دفن حضرت علی‌اکبر، شهدا و حضرت عباس[3] را تنها شیخ مفید نگاشته و در گزارش طبری موجود نیست.

۱۸. مقتل الامام الحسین علیه‌السلام من کتاب تاریخ الخلفاء؛ (نویسنده مجهول قرن سوم تا پنجم) تحقیق رسول جعفریان

در سال ۱۹۶۸م در مسکو کتابی با عنوان *تاریخ الخلفاء* از نویسنده‌ای ناشناخته به صورت عکسی چاپ شد که بخشی از آن به مناسبت پرداختن به خلافت یزید، دربارهٔ واقعهٔ کربلاست. چنان‌که محقق آن بر این باور است، نثر این اثر با قرن سوم و چهارم متناسب و گزارش آن با متون اصیل کهن سازگار است. نویسنده این کتاب، با بهره‌گیری از منابع کهن معتبر، گزارش این واقعه را با حذف اسناد، به اختصار و به صورت ترکیبی و در برخی موارد، با اندکی تغییر در تعابیر آورده که البته گزارش و

۱. شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۲۷ ـ ۱۳۵.
۲. همان، ص ۱۰۸ ـ ۱۰۹.
۳. همان، ص ۱۱۴.

نکتهٔ جدیدی در آن دیده نمی‌شود. وی تنها در گزارش گفت‌وگو و احتجاج امام سجاد علیه‌السلام با ابن‌زیاد، از حمید بن مسلم (یکی از سپاهیان دشمن و حاضر در مجلس ابن‌زیاد که ابومخنف با واسطهٔ سلیمان بن ابی‌راشد، از او بسیار روایت کرده است) نام برده است.[1] نویسنده در پایان گزارش مقتل امام حسین علیه‌السلام، می‌نگارد: ما دربارهٔ حسین علیه‌السلام و مقتل او، سخن را بسط دادیم، گرچه در مقایسه با آن‌چه راویان در این باره نگاشته‌اند، اندک است. دلیل تفصیل ما آن بود که مانند چنین حادثه‌ای در پیش و پس از اسلام اتفاق نیفتاده و گمان ما آن است که در سایر ادیان نیز تا زمان ما چنین چیزی رخ نداده و حتی نزدیک به آن هم، صورت نگرفته است.[2]

۱۹. تجارب الامم و تعاقب الهمم؛ ابوعلی مسکویه رازی (م ۴۲۱ ق)

ابوعلی مسکویه، به مناسبت پرداختن به حوادث عصر خلافت یزید بن معاویه، بیش از چهل صفحه از کتاب خود را به واقعهٔ عاشورا اختصاص داده است. او در این بخش، به همان اخباری که طبری در تاریخ خود از ابومخنف و راویان دیگر دربارهٔ این حادثه آورده است، اکتفا کرده و به شیوهٔ ترکیبی و حذف اسناد، این حادثه را از آغاز بیعت‌ستانی یزید تا پایان بازگرداندن اسرای اهل‌بیت علیهم‌السلام به مدینه، به اختصار، گزارش کرده است.[3]

۲۰. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ ابوعمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبز قرطبی (م ۴۶۳ ق)

ابن عبد البرّ قرطبی، حدود پنج صفحه از اثر خود را به ترجمه و شرح حال امام حسین علیه‌السلام و برخی از اخبار نهضت عاشورا اختصاص داده است.[4] یکی از نکاتی که نویسنده به آن پرداخته، گزارش یحیی بن معین است که از قول کوفیان نقل کرده که کشندهٔ امام حسین علیه‌السلام، عمر سعد بود. وی در توجیه سخن کوفیان نوشته است این‌که قاتل عمر سعد دانسته شده از این‌روست که وی با این شرط که حکومت ری به او برسد، به

۱. مقتل الحسین، تحقیق رسول جعفریان، *فصلنامه تراثنا*، ۱۴۲۲ق، شمارهٔ ۶۸، ص ۲۴۴.
۲. همان، ص ۲۴۷.
۳. ابن‌مسکویه رازی، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، ج ۲، ص ۳۸ ـ ۸۳.
۴. ابن عبدالبر، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، ج ۱، ص ۴۴۲ ـ ۴۴۷، شمارهٔ ۵۷۴.

عنوان فرماندهٔ سپاه ابن زیاد، مأمور جنگ با حسین بن علی علیه‌السلام شد.[۱] گزارش‌هایی که ابن عبدالبر دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام و حادثهٔ عاشورا آورده، به جز نقل چند روایت فقهی از حضرت، اخبار مشهوری است که در منابع دیگر آمده و نکتهٔ جدیدی ندارد.

۲۱. روضة الواعظین؛ محمد بن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق)

ابن‌فتال نیشابوری، این اثر را در قالب مجلس سامان داده است. وی چندین مجلس را به زندگی و حوادث عصر ائمه علیهم‌السلام اختصاص داده است که در این میان، قیام عاشورا را در قالب یک مجلس، گزارش کرده است.[۲] وی عمدهٔ گزارش‌های خود را در این باره از دو کتاب *الإرشاد* شیخ مفید و *الأمالی* شیخ صدوق نقل کرده است، به این ترتیب که گزارش شهادت امام حسین علیه‌السلام و تحرک شیعه در عراق تا پیوستن حر بن یزید به امام حسین علیه‌السلام را از ارشاد شیخ مفید به اختصار بیان کرده است.[۳] اما در ابتدای گزارش خود، گفت‌وگوی عبدالله بن حوزه با امام علیه‌السلام و احتجاج حضرت تا شهادت حضرت قاسم را از امالی شیخ صدوق آورده،[۴] سپس دوباره گزارش شهادت طفل شیرخوار و شهادت امام علیه‌السلام تا اسب تازاندن بر بدن حضرت را از شیخ مفید به اختصار نقل کرده است.[۵] و از آن پس، از آغاز گزارش به خون مالیدن اسب یال و پیشانیش را به خون بدن امام علیه‌السلام و حضور اسرای اهل‌بیت علیهم‌السلام در کوفه و شام و احتجاجات آنان با ابن زیاد و یزید را با جابه‌جایی و حذف برخی از اخبار، از امالی آورده است[۶] و سرانجام، گزارش بازگرداندن محترمانهٔ اهل‌بیت علیهم‌السلام را به مدینه به دستور یزید و عزاداری بنی‌هاشم را در مدینه مجدداً از شیخ مفید به اختصار نقل کرده است.[۷]

---

۱. همان، ج ۱، ص ۴۴۳.
۲. محمد بن فتال نیشابوری، *روضة الواعظین*، ص ۱۶۹ ـ ۱۹۵.
۳. همان، ص ۱۷۱ ـ ۱۸۵ مقایسه شود با: شیخ مفید، *الإرشاد*، ج ۲، ص ۳۲ ـ ۱۰۰.
۴. همان، ص ۱۸۵ ـ ۱۸۸ مقایسه شود با: شیخ صدوق، *الأمالی*، مجلس ۳۰، ص ۲۲۱ ـ ۲۲۶.
۵. همان، ص ۱۸۸ ـ ۱۸۹ مقایسه شود با: شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۰۸ ـ ۱۱۳.
۶. همان، ص ۱۸۹ ـ ۱۹۲ مقایسه شود با: شیخ صدوق، *الأمالی*، مجلس ۳۰، ص ۲۲۶ ـ ۲۲۷ و مجلس ۳۱، ص ۲۲۸ ـ ۲۳۲.
۷. همان، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۳ مقایسه شود با: شیخ مفید، *الارشاد*، ج ۲، ص ۱۲۲ ـ ۱۲۵.

هم‌چنین ابن‌فتال سه صفحهٔ آخر[۱] و نیز دو صفحهٔ آغازین[۲] این مجلس را به چندحدیث و گزارش اختصاص داده است که برخی از آن‌ها را می‌توان در ارشاد و امالی یافت.

۲۲. إعلام الوری بأعلام الهُدی؛ فضل بن حسن طبرسی (م ۵۴۸ ق)

شیخ طبرسی شرح حال زندگی امام حسین علیه‌السلام و حادثهٔ عاشورا را در ۵۹ صفحه و ضمن پنج فصل آورده است.[۳]

فصل اول: تاریخ تولد و مدت عمر امام علیه‌السلام. فصل دوم: بیان دلایل امامت حضرت و این‌که از سوی پدر و برادرش بر امامت ایشان تصریح شده است. فصل سوم: بیان برخی از خصائص، مناقب و فضایل آن حضرت. فصل چهارم: مختصری از اخبار خروج حضرت بر یزید و مقتل وی. فصل پنجم: تعداد فرزندان و اسامی آنان.

اگرچه او تصریح نکرده که گزارش واقعهٔ عاشورا را از شیخ مفید گرفته است، اما با بررسی و مقایسهٔ گزارش وی و شیخ مفید، به سهولت دانسته می‌شود که تمام گزارش شیخ مفید را در این باره به اختصار و با اندکی تغییر در برخی از تعابیر و عبارات، نقل کرده و تنها در پایان گزارش، دیدگاه شیخ مفید را دربارهٔ محل دفن اصحاب امام حسین علیه‌السلام، آورده است.[۴]

۲۳. مقتل الحسین علیه‌السلام؛ موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۶۸ ق)

ابوالمؤید موفق[۵] بن احمد بن محمد[۶] بکری مکی حنفی معروف به «اخطب

---

۱. همان، ص ۱۹۳ ـ ۱۹۵.

۲. همان، ص ۱۶۹ ـ ۱۷۱.

۳. طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، ج ۱، ص ۴۲۰ ـ ۴۷۸.

۴. همان، ص ۴۷۷.

۵. برخی نام او را به اشتباه، «موفق‌الدین» دانسته‌اند (محمد بن عبد الحيّ لكنوي هندي، *الفوائد البهيه في تراجم الحنفيه*، ص ۳۹).

۶. برخی نام جد خوارزمی را «اسحاق» با کنیهٔ «ابوسعید» دانسته‌اند (یاقوت بن حموی، *معجم الادباء*،

خوارزم»، فقیه، خطیب، قاضی، ادیب و شاعر، ملقب به «صدر الائمه»، «اخطب خوارزم»[1] و «خلیفهٔ الزمخشری» حدود سال ۴۸۴ ق دیده به جهان گشود[2] و در سال ۵۶۸ ق بدرود حیات گفت.[3]

دربارهٔ مذهب خوارزمی باید گفت با توجه به آنکه در عصر وی مذهب شایع در خراسان بزرگ و ماوراءالنهر، از جمله منطقهٔ خوارزم مذهب «حنفی» بوده است، خوارزمی نیز این مذهب را در فروع، اختیار کرده است. یکی از شواهد قوی بر مذهب او کتاب *مناقب ابی‌حنیفه* اوست که در فضایل ابوحنیفه نوشته و در آن به مدح و ثنای وی، در قالب قصیده‌ای طولانی پرداخته است. البته او در اصولِ اعتقادات، اشعری بوده است، با این همه او به تشیع متمایل و علاقه‌مند به اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز بوده است، چراکه افزون بر نگارش *مقتل الحسین* علیه‌السلام، کتاب‌های دیگری همانند *فضائل امیرالمؤمنین* معروف به *المناقب*، *کتاب ردّ الشمس لأمیرالمؤمنین* علیه‌السلام، *کتاب قضایا امیرالمؤمنین* علیه‌السلام و *الأربعین فی مناقب النبی الأمین و وصیة امیرالمؤمنین* علیه‌السلام نگاشته است.

مقتل الحسین علیه‌السلام خوارزمی، کتابی تاریخی روایی است که بیشتر روایات و گزارش‌های تاریخی آن، با سلسله سند بیان شده است. بیشتر مطالب این اثر از

ج ۱۹، ص ۲۱۲؛ جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، *بغیة الوعاه فی طبقات اللغویین و النحاة*، ج ۲، ص ۴۰۱؛ محمدباقر موسوی خوانساری اصفهانی، *روضات الجنات*، ج ۸، ص ۱۲۴ و عبدالحسین احمد امینی، *الغدیر*، ج ۴، ص ۳۹۸). اما با توجه به تصریح بیشتر شرح حال نویسان به این‌که نام جدش «محمد» بوده است، به نظر می‌رسد این دیدگاه، به حقیقت، نزدیک باشد.

۱. بعضی، هم‌چون قرشی (عبدالقادر بن ابی‌الوفاء قرشی، *الجواهر المضیئه*، ج ۲، ص ۱۸۸) و فاسی (تقی‌الدین محمد بن احمد حسنی فاسی مکی، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الأمین*، ج ۷، ۳۱۰) او را «خطیب خوارزم» خوانده‌اند که چندان تفاوتی ندارد. البته کسانی که از او با صیغهٔ تفضیل (اخطب) تعبیر کرده‌اند، مقصودشان تعظیم وتکریم ایشان و تصریح به تبحّر وی در انشای خطبه بوده است (ر.ک: خوارزمی، *المناقب*، مقدمه جعفر سبحانی، ص ۱۷).

۲. قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۸۸؛ سیوطی، همان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ محمود بن سلیمان کفوی، *أعلام الأخیار من فقهاء مذهب النعمان*، به نقل از: میرحامد حسین نیشابوری هندی، *عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار* علیهم‌السلام، ج ۶، ص ۲۹۶.

۳. جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف قفطی، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، ج ۳، ص ۲۳۲؛ قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۸۸ و فاسی، همان، ج ۷، ۳۱۰.

فصل نهم تا پایان فصل یازدهم (که از جریان بیعت‌خواهی معاویه برای یزید آغاز شده و با شهادت آن حضرت و یارانش در کربلا به پایان می‌رسد) برگرفته از کتاب *الفتوح* ابن‌اعثم است که خود بارها به این موضوع در کتابش تصریح کرده است. وی در برخی موارد پس از نقل گزارش ابن‌اعثم، حدیث یا گزارش دیگری را بر آن افزوده و سپس ادامهٔ گزارش ابن‌اعثم را آورده است: «قال احمد بن اعثم الکوفی».[1] گزارش‌های افزوده شده معمولاً گزارش‌هایی است که خوارزمی به طور مسند از مشایخ خود نقل کرده است.

برخی از مشایخ روایت خوارزمی که در این اثر از آنان بسیار نقل کرده است، عبارت‌اند از: جارالله محمود بن عمر زمخشری (م ۵۳۸ ق)، ابومنصور شهردار بن شیرویهٔ دیلمی (م ۵۵۸ ق)، حسن بن احمد عطّار همدانی (م ۵۴۴ ق) و ابوالحسن علی بن احمد عاصمی.

فصل‌های مقتل خوارزمی

کتاب *مقتل الحسین*علیه‌السلام یک سرآغاز و پانزده فصل دارد که در یک مجلد دو جلدی گرد آمده است. جلد اول این کتاب، شامل ده فصل و بخش اول فصل یازده است و جلد دوم، بخش دوم فصل یازده و چهار فصل دیگر را در بردارد. عناوین این فصل‌ها چنین است:

جلد اول: ۱. برخی از فضائل پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله، ۲. فضائل خدیجه دختر خویلد، ۳.فضائل فاطمه دختر اسد پسر هاشم پسر عبد مناف مادر امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب‌علیه‌السلام، ۴. نمونه‌ای از فضائل امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام، ۵. فضائل فاطمهٔ زهراعلیهاالسلام دختر رسول‌خداصلی‌الله‌علیه‌وآله، ۶. فضائل حسن و حسین‌علیهماالسلام، ۷. فضائل اختصاصی حسین‌علیه‌السلام، ۸. پیش‌گویی رسول‌خداصلی‌الله‌علیه‌وآله از حسین‌علیه‌السلام و احوال وی، ۹. آنچه بین حسین‌علیه‌السلام و بین ولید بن عتبه و مروان بن حکم در مدینه، در زمان حیات معاویه و بعد از مرگش، روی داد، ۱۰. آنچه از سرگذشت حسین‌علیه‌السلام که در مدت اقامتش در

۱. خوارزمی، *مقتل الحسین*علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۵۴، ۲۶۳، ۳۰۸ و ۳۲۳.

مکه اتفاق افتاد و آنچه از نامه‌های کوفیان به دست او رسید و فرستادن مسلم بن عقیل به کوفه و قتل او در این شهر، ۱۱. خروج حسین بن علی علیه‌السلام از مکه به سوی عراق و حوادث و اتفاقاتی که بین راه رخ داد و فرودش در سرزمین طف (بخش اول).

جلد دوم: کشته شدن امام حسین علیه‌السلام (بخش دوم)، ۱۲. عقوبت و مجازات قاتل حسین علیه‌السلام، ۱۳. برخی از مرثیه‌هایی که دربارهٔ حضرت سروده شده است، ۱۴. زیارت حضرت و فضیلت آن، ۱۵. انتقام مختار بن ابی‌عبید ثقفی از کشندگان حسین علیه‌السلام. هم‌چنین خوارزمی در پایان این فصل، به جریان کشته شدن مصعب و عبدالله پسران زبیر، پرداخته است.

خوارزمی و ابن‌اعثم

چنان‌که نگاشته شد، خوارزمی در نگارش واقعهٔ کربلا تا پیش از روز عاشورا، بیشترین بهره را از *کتاب الفتوح* ابن‌اعثم برده است، اما گزارش‌های وی در مقایسه با اخبار ابن‌اعثم، اضافات، کاستی‌ها و تفاوت‌هایی از جهات دیگر دارد که به نظر می‌رسد این امر، معلول سه عامل بوده است: اول، آن‌که فتوح ابن‌اعثم نسخه‌های متعدد و تا اندازه‌ای متفاوت از یکدیگر با اضافات و کاستی‌هایی داشته است. شاهد بر این ادعا، اختلاف نسخه‌های موجود کنونی با نقل‌های خوارزمی از ابن‌اعثم است. نمونهٔ بارز در این باره، تفاوت‌های اشعار آورده شده به مناسبت حوادث مختلف در فتوح ابن‌اعثم با مقتل خوارزمی از جهت کمی و محتوایی است. هم‌چنین احتمال دارد برخی از اضافات مقتل خوارزمی به این علت باشد که نسخه‌ای کامل‌تر از فتوح نزد خوارزمی بوده است.

دوم، آن‌که خوارزمی، خطیب و اهل منبر بوده است که با تأثیرپذیری از چنین منصب و حرفه‌ای، به تغییر کمّی و در برخی موارد، تغییر کیفی گزارش‌های ابن‌اعثم با نقل به معنای آن‌ها کرده است تا گزارش‌های این حادثه، منطقی‌تر، قابل پذیرش‌تر

و جذاب‌تر برای خواننده باشد. البته این کار در بسیاری از موارد تا حدی بوده که موجب تحریف اصل جزیان نشود.

سوم، آن‌که طبیعت بسیاری از حوادث و قضایای تاریخی آن است که وقتی گرد و غبار گذشت زمان بر آن‌ها می‌نشیند و نویسندگان قرن‌های بعدی پا به عرصهٔ حیات علمی گذاشته و به بازنگاری آن می‌پردازند، در نتیجهٔ چنین فاصلهٔ زمانی از زمان حادثه، اضافات و شاخ و برگ‌هایی بر اصل حادثه می‌افزایند که در گزارش‌های اولیه، وجود ندارد.

۲۴. مقتل الحسین علیه‌السلام؛ ابوالحسن احمد بن عبدالله بن محمد بکری (قرن پنجم و ششم)

بکری، رسالهٔ کوتاهی دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام نگاشته است که نسخه‌ای از آن با عنوان *حدیث وفاة سیدنا الحسین* علیه‌السلام در کتابخانهٔ دانشگاه قرویین شهر فاس در مراکش ضمن مجموعه‌ای (به شمارهٔ ۵۷۵ / ۳، ص ۷۷ ـ ۸۶) نگهداری می‌شود.[۱]

رجال‌نویسان اهل‌سنت، بکری را نکوهش کرده و از او به «کذّاب دجال»،[۲] «قَصّاص» و دروغ‌گوتر از مسیلمهٔ کذاب، تعبیر کرده‌اند.[۳] ابن‌حجر افزوده است که از کتاب‌های مشهورش، کتاب *الذروه فی السیرة النبویه* است که در آن هر جنگی از جنگ‌های عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را که گزارش کرده است، یا اصل آن را نادرست روایت کرده و یا گزارش‌های نادرست بر آن افزوده است.[۴]

اگرچه رسالهٔ مقتل الحسین بکری مختصر است، اما به نظر می‌رسد سبک نگارش داستانی ادبی نویسندگانی، همانند بکری در قرن پنجم و ششم که تاریخ صدر اسلام را در قالب کتاب *الذروه فی السیرة النبویه* به این شیوه روایت کرده است آغاز مهمی در روایت کردن تاریخ عاشورا هرچند به اختصار، به این سبک بوده است.

---

۱. سیدعبدالعزیز طباطبایی، *اهل‌البیت علیهم‌السلام فی‌المکتبة العربیه*، ص ۵۴۸، ش ۷۰۶.
۲. ذهبی، *میزان الاعتدال*، ج ۱، ص ۱۱۲ و ابن‌حجر، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۲۰۲.
۳. ذهبی، *سیر أعلام النبلاء*، ج ۱۹، ص ۳۶.
۴. ابن‌حجر، همان.

۲۵. ترجمة ریحانة رسول‌الله ﷺ، الإمام الحسین علیه‌السلام (من تاریخ مدینة دمشق)؛ ابوالقاسم علی بن حسن هبة الله شافعی، معروف به «ابن‌عساکر دمشقی» (م ۵۷۱ ق)

ابن‌عساکر به مناسبت پرداختن به شرح حال بزرگان و افراد برجسته که در دمشق ساکن بوده یا به این شهر و اطراف و نواحی آن آمده‌اند، به شرح حال امام حسین علیه‌السلام پرداخته است.[۱] وی در شرح حال ۱۵۰ صفحه‌ای دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام و حادثهٔ عاشورا، در مجموع، ۴۰۲ روایت و گزارش آورده که مضمون بسیاری از آن‌ها تکراری است. این اثر، نظم و تبویب مناسبی ندارد و در مواردی، اخبار برخی از موضوعات و عناوین، به صورت پراکنده آمده است.[۲] نکتهٔ شایان توجه دربارهٔ این نگاشته آن‌که ابن‌عساکر درگزارش مختصر خود از سیر قیام امام حسین علیه‌السلام، بخشی از آغازگزارش مقتل امام حسین علیه‌السلام ابن‌سعد[۳] را با همان سلسله اسناد وی نقل کرده است.[۴] افزون بر این، او برخی گزارش‌های دیگر مقتل وی را به صورت پراکنده در لابه لای نگاشتهٔ خود آورده است.[۵]

اما نکته‌ای که دربارهٔ کمیت و کیفیت محتوایی این اخبار و گزارش‌ها و رویکرد خاص ابن‌عساکر در انتخاب و چینش آن‌ها حائز اهمیت است، آن‌که وی اولاً: اخبار و گزارش‌هایی را بیشتر گزینش کرده و آورده است که اطلاعات تاریخی کمتری دربارهٔ این واقعه داشته و بیشتر به مسائل حاشیه‌ای و کم‌ارزش پرداخته است، ثانیاً:

---

۱. *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۱۴، ص ۱۱۱ـ۲۶۰، شمارهٔ ۱۵۶۶. هم‌چنین این بخش از تاریخ ابن‌عساکر، توسط محقق برجسته محمدباقر محمودی، تحقیق و جداگانه با عنوان *ترجمة ریحانة رسول‌الله الامام الحسین علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق* چاپ شده است. افزون بر این، محقق سیدمحمدرضا حسینی جلالی برخی از اخبار این اثر را گزینش کرده و در قالب چند باب با عنوان *الحسین علیه‌السلام سماته و سیرته* به چاپ رسانده است.

۲. همانند اخبار مربوط به ولادت، شهادت و مدت عمر امام و اخبار مربوط به عقوبت کشندگان امام.

۳. ابن‌سعد، *ترجمة الامام الحسین و مقتله*، ص ۵۳ ـ ۶۳، شمارهٔ ۲۸۲ ـ ۲۸۵.

۴. ابن‌عساکر، *ترجمة ریحانة رسول ﷺ الإمام الحسین علیه‌السلام*، ص ۲۸۷ ـ ۳۰۱، حدیث ۲۵۵ ـ ۲۵۸ و همو، *تاریخ مدینة دمشق*، ج ۱۴، ص ۲۰۴ ـ ۲۱۳.

۵. برای نمونه ر.ک: ابن‌عساکر، همان، ص۳۷، حدیث ۳۱؛ص ۲۷۵ ـ ۲۷۶، حدیث ۲۴۱ ـ ۲۴۲؛ص ۳۰۸ ـ ۳۰۹، حدیث ۲۶۶ ـ ۲۶۸ و ص ۳۶۸، حدیث ۳۱۰ ـ ۳۱۱. مقایسه شود به ترتیب با: گزارش‌های ابن‌سعد، همان، ص ۱۷، ۴۹ ـ ۵۰، حدیث ۲۷۸ ـ ۲۸۰، ص ۶۴، حدیث ۲۹۰ و ص ۹۰، حدیث ۳۲۰.

چنان‌که گفته شد، بسیاری از مضامین این اخبار، چندین بار تکرار شده است، چندان‌که حدود صد روایت مربوط به روز و سال ولادت و شهادت، مدت عمر، نام و کنیهٔ امام[۱] و بیش از ۱۲۰ روایت، یعنی بیش از یک چهارم آن‌ها دربارهٔ مناقب و فضایل حضرت[۲] است که بسیاری از روایات این دو دسته، تکراری است. بیش از سی روایت، مربوط به پیش‌گویی‌های پیامبرﷺ و امیرالمؤمنین‌علیه‌السلام دربارهٔ کشته شدن امام حسین‌علیه‌السلام،[۳] بیش از ده روایت دربارهٔ منع حضرت توسط برخی از افراد سرشناس از رفتن به کوفه،[۴] بیش از بیست روایت دربارهٔ شرح قیام امام حسین‌علیه‌السلام و خطبه‌های حضرت در روز عاشورا،[۵] بیش از بیست خبر دربارهٔ حوادث خارق‌العاده و غریب پس از شهادت امام،[۶] بیست خبر دربارهٔ کیفرها و بلایایی که قاتلان امام‌علیه‌السلام در دنیا به آن مبتلا شدند[۷] و باقی گزارش‌ها، اخبار پراکنده‌ای درباره موضوعات مختلف است.

چنان‌که ملاحظه می‌شود، ابن‌عساکر در مقایسه با حجم این ترجمه، اخبار اندکی، یعنی تنها کمی بیش از بیست خبر به شرح قیام و شهادت امام حسین‌علیه‌السلام و یارانش و مهم‌تر از همه، هدف و فلسفهٔ قیام حضرت اختصاص داده است، چراکه او به اقتضای آن‌که دمشقی و ساکن شام بوده است، همانند بسیاری از مورخان شامی، اموی مسلک بوده که از بنی‌امیه جانب‌داری خاصی کرده و در مقابل، به خاندان پیامبرﷺ چندان عنایت و محبتی نداشته‌اند. از این رو چنان‌که بایسته است به شرح جنایات و ستم‌هایی که بنی‌امیه بر امام حسین‌علیه‌السلام، خاندان و یارانش، در این واقعه روا داشتند، نپرداخته است.

---

۱. ابن‌عساکر، *ترجمة ریحانة رسول‌الله الامام الحسین‌علیه‌السلام*، ص ۲۰ ـ ۴۰، حدیث ۱۰ـ۳۸ و ص ۴۱۲ ـ ۴۴۳، حدیث ۳۴۹ ـ ۳۹۶.

۲. همان، ص ۵۱ ـ ۱۹۹، خبر شمارهٔ ۵۵ ـ ۱۷۷.

۳. همان، ص ۲۳۶ ـ ۲۷۵، حدیث ۲۱۳ ـ ۲۴۰ و ص ۳۴۱ ـ ۳۴۴، خبر ۲۷۸ ـ ۲۸۰.

۴. همان، ص ۲۷۸ ـ ۲۸۵، حدیث ۲۴۴ ـ ۲۵۴ و نیز ص ۲۸۸، ۲۹۳ و ۲۹۸.

۵. همان، ص ۲۸۷ ـ ۳۲۵ و ۳۴۰، خبر ۲۵۵ ـ ۲۷۷.

۶. همان، ص ۳۵۳ ـ ۳۶۷، حدیث ۲۸۷ ـ ۳۰۹.

۷. همان، ص ۳۶۸ ـ ۳۷۶، حدیث ۳۱۰ ـ ۳۱۷ و ص ۴۴۶ ـ ۴۴۸، حدیث ۳۹۸ ـ ۳۹۹.

نکتهٔ آخر آن‌که در قرن هشتم، مِزّی[1] (م ۷۴۲ ق) و ذهبی[2] (م ۷۴۸ ق) بخشی از نگاشته‌های خود را به اخبار مربوط به زندگی و قیام امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده‌اند که بسیاری از گزارش‌های آنان همان گزارش‌های ابن‌عساکر است.

۲۶. مناقب آل ابی‌طالب؛ ابوعبدالله محمد بن علی بن شهرآشوب (م ۵۸۸ ق)

ابن شهرآشوب به مناسبت پرداختن به شرح زندگانی، مناقب و فضایل امام حسین علیه‌السلام، بخشی از مباحث این باب را به گزارش مقتل امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده است. وی پس از اختصاص چند فصل به معجزات، مناقب و مکارم اخلاق حضرت، حوادث خارق‌العاده پس از شهادت حضرت، برخی از اخبار مربوط به اظهار علاقه و محبت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ایشان و بیان تاریخ ولادت و القاب حضرت، به گزارش واقعهٔ عاشورا پرداخته است.

چنان‌که از نام این کتاب پیداست، این اثر نوشته‌ای تاریخی نیست، بلکه نویسنده درصدد جمع‌آوری و گزارش اخباری دربارهٔ مناقب و فضایل امامان علیهم‌السلام بوده است که در کنار آن به برخی از حوادث عصر آنان ـ بدون توجه چندانی به ترتیب زمان وقوع آن‌ها ـ اشاره کرده است. او در قسمتی که به مناقب و فضایل امام حسین علیه‌السلام پرداخته، به سبب اهمیت قیام عاشورا، بیشترین مطالب خود را به این موضوع اختصاص داده است. البته به سبب اجتناب از تفصیل و تطویل کتابش، این حادثه را به اجمال و اختصار گزارش کرده و علاوه بر این‌که در مواردی، ترتیب حوادث را چندان رعایت نکرده، به سبب گزینش برخی از حوادث نیز به بسیاری از حوادث، اشاره نکرده است.

وی روایاتی را از امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا علیهم‌السلام دربارهٔ زندگی، مناقب و حادثهٔ عاشورا و مقتل امام حسین علیه‌السلام آورده است. افزون بر این، او از منابعی چون *انساب الاشراف* بلاذری، *تاریخ طبری*، *مقتل ابن‌بابویه*، *فضائل العشره*

---

۱. جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف مِزّی، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، ج ۶، ص ۳۹۶ ـ ۴۴۹، شمارهٔ ۱۳۲۳.
۲. شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی، *سِیَر أعلام النُبَلاء*، ج ۳، ص ۲۸۰ ـ ۳۲۱، شمارهٔ ۴۸.

ابوالسعادات، حلیة *(الاولیاء)* ابونعیم اصفهانی و از افرادی همانند ابومخنف، شعیب بن عبدالرحمان خزاعی، سید جرجانی، ابن مهدی مامطیری، عبدالله بن احمد بن حنبل، شاکر بن غنمه و ابوالفضل هاشمی، گزارش‌های این باب را روایت کرده است.

چند نکته دربارهٔ اخبار و گزارش‌های ابن شهرآشوب، شایان توجه و تأمل است:

اول، آن‌که او تنها کسی است که پس از ابن‌اعثم، ناقل سخن معروف امام حسین علیه‌السلام یعنی «**انی لم اخرج بطراً و لا اشراً...**» است، البته با این تفاوت که او این سخن مشهور را پاسخ حضرت (نه وصیت‌نامه به محمد حنفیه) به افرادی همانند محمد حنفیه، عبدالله بن مطیع و ابن‌عباس دانسته که خواستند حضرت را از رفتن به عراق بازدارند.[۱]

دوم، آن‌که اگرچه ابن شهرآشوب برخی از اخبار ابومخنف را آورده است، اما او در چند مورد نیز اخباری را به ابومخنف نسبت داده[۲] که افزون بر آن‌که مضمون آن‌ها نامعقول و غیرقابل پذیرش است، در اخبار به جای مانده از ابومخنف در منابع معتبر و کهن، موجود نیست. از این رو به نظر می‌رسد اخبار جعلی منسوب به ابومخنف در عصر ابن‌شهر آشوب رایج بوده که وی برخی از آن‌ها را نقل کرده است.

سوم، آن‌که اگرچه نویسنده تصریح نکرده که گزارش مبارزه و رجز اصحاب امام‌حسین علیه‌السلام را از فتوح ابن‌اعثم گرفته است، اما با اندکی بررسی و مقایسه بین دو گزارش، و شباهت بسیار گزارش ابن‌شهر آشوب با گزارش ابن‌اعثم، به سهولت دانسته می‌شود که ابن شهرآشوب در نگارش این قسمت از گزارش خود، از کتاب ابن‌اعثم بهره برده است.[۳]

چهارم، آن‌که ابن شهرآشوب تنها گزارش‌گر متقدم برخی از گزارش‌ها دربارهٔ این واقعه است که برخی از آن‌ها را نمی‌توان پذیرفت. برای نمونه، او آمار کشته‌های

---

۱. ابن شهرآشوب، *مناقب آل ابی طالب*، ج ۴، ص ۹۶ ـ ۹۷.

۲. همان، ص ۶۵ ـ ۶۶.

۳. همان، ص ۱۰۹ ـ ۱۱۸ مقایسه شود با: ابن‌اعثم، *کتاب الفتوح*، ج ۵، ص ۱۰۱ ـ ۱۱۵. البته ابن شهرآشوب پس از نقل رجز و گزارش مبارزهٔ هر یک از اصحاب، آمار کشتگان سپاه عمر سعد توسط هریک از اصحاب امام حسین علیه‌السلام را افزوده است که معلوم نیست آمار یاد شده را از کدام منبع گرفته است.

دشمن را به دست امام حسین علیه‌السلام (به جز مجروحان) ۱۹۵۰ نفر نگاشته است[۱] که به هیچ رو نمی‌توان آن را پذیرفت. هم‌چنین او گزارش شهادت حضرت عباس را متفاوت از شیخ مفید و به گونه‌ای دیگر نوشته است که به نظر می‌رسد بعدها این گزارش با اضافات و شاخ و برگ‌هایی، در نگاشته‌های قرن‌های بعد آورده شده و محتوای مرثیه و روضهٔ حضرت عباس در عصر کنونی شده است، در حالی که اضافات یاد شده مأخذ معتبری ندارد.

پنجم، آن‌که این اثر، کهن‌ترین منبع رجزهای حضرت عباس و برخی از رجزهای امام حسین علیه‌السلام[۲] در روز عاشوراست که در هیچ یک از منابع متقدم بر این نگاشته، نیامده و خود او مأخذ مشخصی برای این رجزها بیان نکرده است. این رجزها سال‌هاست که در محافل و منابر، از شهرت خاصی برخوردار است.

۲۷. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک؛ ابوالفرج عبدالرحمان بن علی بن محمد ابن‌جوزی (م ۵۹۷ ق)

ابن‌جوزی به مناسبت حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق بخشی از نگاشتهٔ خود را به تاریخ واقعهٔ عاشورا اختصاص داده است.[۳] عمدهٔ شیوهٔ گزارش او ترکیبی و با حذف اسناد است و اخبار او شباهت زیادی به گزارش‌های طبری در این باره دارد. البته او در مواردی نیز برخی از اخبار متفرقه را با اسنادش آورده است.[۴]

۲۸. الکامل فی التاریخ؛ عزالدین ابوالحسن علی بن ابی الکرم، معروف به «ابن اثیر» (م ۶۳۰ ق)

ابن اثیر سه قرن پس از طبری، کتاب *الکامل فی التاریخ* را نگاشت و ـ چنان‌که خود در مقدمه یادآورنده است ـ[۵] بیشترین نقل‌های او در این کتاب (تا آخر قرن سوم) برگرفته از *تاریخ طبری* است. او در حوادث سال ۶۰ و ۶۱ ق گزارش مقتل

---

۱. همان، ج ۴، ص ۱۲۰.
۲. همانند رجز: «انا الحسین بن علی احمی عیالات ابی ...».
۳. ابن جوزی، *المنتظم*، ج ۵، ص ۳۲۲ ـ ۳۲۹ و ۳۳۵ ـ ۳۴۷.
۴. همان، ج ۵، ص ۳۴۲ ـ ۳۴۶.
۵. ابن‌اثیر، *الکامل فی تاریخ*، ج ۱، ص ۵.

امام‌حسین علیه‌السلام را از گزارش‌های طبری گرفته و به اختصار و با حذف اسناد نگاشته است.[۱] البته او ـ چنان‌که باز در مقدمهٔ کتابش یادآور شده ـ[۲] برخی از گزارش‌ها را در لابه‌لا[۳] یا در پایان گزارش مقتل امام حسین علیه‌السلام بر گزارش طبری افزوده است.[۴]

هم‌چنین ابن اثیر در اثر دیگرش به نام *اسد الغابه فی معرفة الصحابه* پنج صفحه از اثر خود را به اخباری دربارهٔ تاریخ ولادت، شهادت و برخی از مناقب امام‌حسین علیه‌السلام و شرح مختصری از قیام حضرت اختصاص داده است.[۵] وی دربارهٔ قاتل امام حسین علیه‌السلام پس از نقل چند قول، می‌گوید: صحیح آن است که سنان بن انس، حسین بن علی علیه‌السلام را کشت.[۶]

۲۹. مثیرالاحزان؛ نجم‌الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن ابی‌البقاء هبةالله بن نما، مشهور به «ابن‌نما حلی» (م ٦٤٥ ق)[۷]

ابن‌نما این اثر را دربارهٔ واقعهٔ عاشورا در سه مقصد، تدوین و تنظیم کرده است: مقصد نخست، دربارهٔ امور پیش از نبرد روز عاشورا، از قبیل تاریخ ولادت امام حسین علیه‌السلام و پیش‌گویی رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از شهادت حضرت و سیر حوادث نهضت عاشورا از مرگ معاویه و بیعت‌خواهی یزید و خروج امام علیه‌السلام از مدینه تا ورود به کربلا و هم‌چنین شرح فعالیت‌ها و قیام مسلم بن عقیل است. مقصد دوم، به بیان مختصر حوادث روزهای اقامت در کربلا و شب و روز عاشورا و کیفیت نبرد و جانبازی و شهادت اصحاب و بنی‌هاشم و در نهایت، شهادت امام حسین علیه‌السلام

---

۱. همان، ج ۳، ص ۲۶۳ ـ ۳۰۳.

۲. همان.

۳. مانند نقل دو بیت از عمر سعد: «اترک ملک الری و الری رغبة...» (همان، ج ۳، ص ۲۸۳).

۴. همانند نقل دو خبر دربارهٔ شهادت امام حسین علیه‌السلام از ابن‌عباس و ام‌سلمه (همان، ج۳، ص ۳۰۳).

۵. ابن‌اثیر، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، ج ۲، ص ۱۸ ـ ۲۲.

۶. همان، ص ۲۱.

۷. در سال درگذشت او اختلاف است، شیخ آقا بزرگ سال ۶۴۵، دانسته است (*الذریعه الی تصانیف الشیعه*، ج ۱۳، ص ۱۷۰ و ج ۱۹، ص ۳۴۹)، اما محدث قمی سال یاد شده را سال درگذشت پدر وی، نجیب‌الدین دانسته و سال وفات نجم‌الدین را بیان نکرده است (*الکنی و الالقاب*، ج ۱، ص ۴۴۲).

و برخی از حوادث پس از شهادت حضرت اختصاص یافته است. مقصد سوم، دربارهٔ امور پس از شهادت و شرح اسارت اهل‌بیت به کوفه، شام و بازگشت به مدینه است.

خوانساری نگاشته است که شهید ثانی احتمال داده است که *مثیر الاحزان* و اثر دیگر او با عنوان *ذوب النضار* از آثار او نباشد، بلکه نگاشتهٔ نوهٔ او که هم‌نام او بوده باشد،[1] اما علامه سیدمحسن امین این سخن را مردود دانسته و گفته است که اساساً معلوم نیست که او نوه‌ای، هم‌نام خود داشته است.[2]

۳۰. الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیه؛ حمید بن احمد بن محمد محلّی (م ۶۵۲ ق)

محلّی از علما و اندیشمندان زیدیه، در این اثر به تناسب بحث از امامانی که قیام مسلحانه بر ضد حاکمان زمان خود کرده‌اند، نزدیک به پنجاه صفحه[3] از حجم نگاشتهٔ خود را به گزارش قیام امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده است. او پس از بیان اخباری دربارهٔ ولادت، ویژگی‌ها، صفات و مناقب حضرت، قیام عاشورا را به اختصار و بر اساس اخبار مشهور گزارش کرده است. از نکات شایان توجه در گزارش وی، یادآوری اسامی شهدای کربلاست که با مقایسهٔ آن با گزارش فضیل بن زبیر در این باره، معلوم می‌شود که او بخش عمدهٔ آن را بدون اشاره به این‌که از فضیل گرفته از نگاشتهٔ وی نقل کرده است. از گزارش‌های دیگر وی، بیان حوادث پس از شهادت امام علیه‌السلام و بردن اسرای اهل‌بیت علیهم‌السلام به کوفه و شام و احتجاجات آنان و در نهایت، بازگشت‌شان به مدینه است. وی هم‌چنین جریان زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام توسط جابر و عطیهٔ عوفی و تخریب قبر حضرت توسط متوکل را گزارش کرده است. چند صفحهٔ آخر گزارش محلّی، نقل اشعار برخی از شاعران در رثای امام حسین علیه‌السلام است. از گزارش‌های قابل توجه وی، تعیین سال ولادت حضرت علی‌اکبر است.

---

۱. محمدباقر موسوی خوانساری، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، ج ۲، ص ۱۷۹.
۲. سیدمحسن امین عاملی، *اعیان الشیعه*، ج ۴، ص ۱۵۶.
۳. محلّی، *الحدائق الوردیه فی مناقب الأئمة الزیدیه*، ج ۱، ص ۱۸۸ـ۲۳۴.

وی دو سال مانده از خلافت عثمان، یعنی سال ۳۳ ق را سال ولادت وی دانسته است.[۱] این در حالی است که برخی منابع متقدم، همانند *مقاتل الطالبیین*، تنها به دنیا آمدن حضرت علی‌اکبر در روزگار خلافت عثمان را (بدون تعیین سال آن) گزارش کرده‌اند. در مجموع می‌توان گفت: نویسنده در گزارش حوادث پس از شهادت امام علیه‌السلام، بیشتر متأثر از کتاب *مقتل الحسین* خوارزمی است.

۳۱. تذکرة الخواص من الأمه بذکر خصائص الائمه علیهم‌السلام؛ یوسف بن قزغلی بغدادی، معروف به «سبط ابن جوزی» (م ٦٥٤ ق)

سبط ابن جوزی نزدیک به یک سوم از جلد دوم این کتاب را در قالب باب نهم، به شرح زندگانی و قیام امام حسین علیه‌السلام اختصاص داده است.[۲] وی در آغاز پس از آن‌که به کنیه، القاب و تاریخ ولادت حضرت اشاره کرده، برخی از اخبار مربوط به منزلت و جایگاه خاص حسنین علیهماالسلام را نزد رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و نیز برخی از گزارش‌ها را دربارهٔ مواضع امام حسین علیه‌السلام در برابر خلیفهٔ دوم و مروان آورده است. او سپس ذیل عنوان «ذکر سیرته مختصرا» به اخبار نهضت کربلا که با مرگ معاویه و بیعت‌ستانی یزید آغاز می‌گردد پرداخته است. یکی از گزارش‌هایی که تنها وی آن را به تفصیل آورده است، گزارش محتوای نامهٔ یزید به ابن‌عباس مبنی بر بازداشتن امام حسین علیه‌السلام از قیام، و پاسخ ابن عباس به وی است.[۳] او در ادامه، به جریان قیام و شهادت مسلم در کوفه، رفتن امام حسین علیه‌السلام به عراق و شهادت حضرت و یارانش، و اسامی شهدای بنی‌هاشم پرداخته است. وی دربارهٔ کشندهٔ امام حسین علیه‌السلام چندین قول را بیان کرده و سپس گفته است که صحیح‌تر آن است که سنان بن انس نخعی با مشارکت شمر، حضرت را کشتند.

بحث بعدی سبط ابن جوزی دربارهٔ بردن اسرا به همراه سرها به کوفه و شام

---

۱. همان، ص ۲۰۱.

۲. سبط ابن جوزی، *تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمه*، ج ۲، ص ۱۱۵ ـ ۲۸۲.

۳. همان، ص ۱۳۳ ـ ۱۳۶. ابن‌سعد به اختصار به نامه و پاسخ آن پرداخته است (*ترجمة الحسین* علیه‌السلام و *مقتله*، ص ۵۹ ـ ۶۰).

است. او دربارهٔ مکان دفن سر امام علیه السلام پنج قول بیان کرده و در پایان نگاشته است که هر جا که سر و پیکر او باشد، او در قلب‌ها و دل‌ها جای داشته و در اعماق دل‌ها و خاطره‌ها زنده است.[۱] برخی از مطالب دیگر این باب عبارت‌اند از: برخی از مراثی دربارهٔ حسین علیه السلام، بیان سرخی که پس از شهادت حضرت در آسمان ظاهر شد و آن‌چه به آن ملحق می‌شود، نامهٔ یزید به ابن‌عباس (پس از شهادت امام علیه السلام) و پاسخ وی، فرزندان حسین علیه السلام، عقوبت کشندگان و انتقام از ستمکاران حسین علیه السلام (و قیام توّابین و مختار و قتل ابن‌زیاد) و فصلی دربارهٔ (جواز لعن) یزید بن معاویه.

یکی از گزارش‌های قابل توجه در این کتاب، کیفیت شهادت طفل شیرخوار به روایت هشام کلبی (شاگرد ابومخنف) است که با گزارش‌های منابع متقدم این تفاوت را دارد که چون طفل شیرخوار از تشنگی گریه می‌کرد، امام علیه السلام او را روی دستش گذاشته و خطاب به سپاه عمر سعد فرمود: «ای قوم، اگر بر من رحم نمی‌کنید، بر این طفل رحم کنید»، پس مردی از سپاه دشمن تیری به طفل زد و او را کشت....[۲]

نکتهٔ شایان توجه دیگر دربارهٔ این اثر آن‌که برخی از مقاتلی که اکنون موجود نیست و تنها برخی از اخبار آن در برخی آثار مورخان متقدم آمده است، نزد سبط ابن‌جوزی موجود بوده و او برخی از اخبار آن‌ها را نقل کرده است، چنان‌که در چند جا از *مقتل الحسین* محمد بن هشام کلبی،[۳] واقدی،[۴] مدائنی،[۵] ابن ابی‌الدنیا،[۶] اخباری را نقل کرده است. این نکته، حاکی از آن است که مقاتل یاد شده تا قرن هفتم و پیش از یورش مغول به بلاد اسلامی، موجود بوده است.

---

۱. همان، ج ۲، ص ۲۰۶ ـ ۲۰۹.
۲. همان، ج ۲، ص ۱۶۴.
۳. همان، ج ۲، ص ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۸۷، ۲۰۳ و ۲۰۶ ـ ۲۰۷.
۴. همان، ص ۱۳۳ ـ ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۸۲، ۱۸۷، ۱۹۳، ۱۹۸ـ۱۹۹ و ۲۰۹.
۵. همان، ص ۱۷۹، ۱۸۷ و ۲۲۵.
۶. همان، ص ۱۸۴، ۱۸۸، ۱۹۷ و ۱۹۹ ـ ۲۰۰.

۳۲. دُرَرالسِمط فی خبر السِبط؛ محمد بن عبدالله بن ابی‌بکر قضاعی، معروف به «ابن أبار بلنسی» (م ۶۵۸ ق)

این اثر، مرثیه‌ای منثور برای امام حسین علیه‌السلام و خاندانش است، چنان‌که اثر دیگر او *معادن اللجین فی مراثی الحسین* علیه‌السلام مرثیه‌ای منظوم در این باره است. نثر این کتاب، پیچیده، مسجع و دارای آرایه‌های ادبی، و انشای آن به سبک مقامات بوده و متن آن، مختصر است. این اثر در ۱۲۶ صفحه با پاورقی‌های مصحح و محقق آن چاپ شده است که مصحح آن تا صفحهٔ ۶۰ (در قالب پنجاه صفحه) به شرح زندگی و جایگاه علمی او و این کتاب پرداخته است. از ۶۶ صفحهٔ باقیمانده، حدود نیمی از آن، پاورقی است. بنابراین، متن کتاب بیش از سی صفحه نیست که از این مقدار، حدود پانزده صفحهٔ آن دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام است.[۱]

مطالب این کتاب، عنوان ندارد و تنها هر قسمت با عنوان «فصل» از قسمت دیگر جدا شده است. نویسنده در بحث از قیام عاشورا، به نامه‌نگاری کوفیان و روانه شدن مسلم به کوفه و خروج امام از مکه و رفتن به سوی کوفه و ملاقات با حر و در نهایت، شهادت حضرت اشاره کرده است. ستایش‌های او از امام حسین علیه‌السلام و در مقابل، نکوهش‌های وی از یزید، برخی را به این گمان واداشته است که او شیعه بوده است.[۲] در اوایل قرن یازده، ابوجمعه سعید بن مسعود ماغوسی (م ۱۰۱۶ ق)، با بهره‌گرفتن از پانصد کتاب، شرحی را برای این اثر با عنوان *نظم الفرائد الغرر فی سلک فصول الدرر* نوشت.[۳]

۳۳. ترجمة الامام الحسین علیه‌السلام (من کتاب بغیة الطلب فی تاریخ حلب)؛ کمال‌الدین عمر بن احمد بن ابی‌جرادهٔ حلبی، مشهور به «ابن عدیم» (م ۶۶۰ ق)

این اثر ۲۴۸ حدیث و گزارش دربارهٔ امام حسین علیه‌السلام و عاشورا دارد و از کتاب مفصل

---

۱. فصول مربوط به امام حسین علیه‌السلام از صفحهٔ ۹۳ به بعد است.

۲. شیخ آقا بزرگ، همان، ج ۴، ص ۴۰۹ و ج ۸، ص ۱۲۴ ـ ۱۲۵.

۳. برای آگاهی بیشتر دربارهٔ این اثر، ر.ک: سیدعبدالعزیز طباطبایی، *اهل‌البیت* علیهم‌السلام *فی المکتبة العربیه*، ص ۱۶۵ ـ ۱۶۷ و ۶۴۷ ـ ۶۴۸.

ابن‌عدیم، توسط برخی از محققان معاصر، استخراج، تصحیح و تحقیق شده است. ساختار روایی این ترجمه از نظر موضوعات و مباحث‌اش، به جز بخش مقتل آن، همانند اثر ابن‌عساکر است. البته ـ چنان‌که نویسنده خود تصریح کرده ـ همه بخش مقتل این اثر را از کتاب *الاخبار الطوال* دینوری گرفته است.[۱]

۳٤. الملهوف علی قتلی الطفوف؛ علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (م ٦٦٤ ق)

سید ابن طاووس ساختار و فصول این اثر را همانند ابن‌نما در سه مسلک، مشابه عناوین *مثیر الأحزان* تدوین و نگارش کرده است: مسلک نخست، امور متقدم بر جنگ؛ مسلک دوم، شرح نبرد روز عاشورا و امور نزدیک به آن؛ مسلک سوم، حوادث پس از شهادت.

وی هدف از نگارش چنین کتابی را به همراه داشتن زائران امام حسین علیه‌السلام کتاب مقتلی ضمیمهٔ *مصباح الزائر و جناح المسافر* بیان کرده است تا آنان را از داشتن مقتل دیگری بی‌نیاز کند. هم‌چنین او این مقتل را به اختصار نوشته است تا متناسب با تنگی وقت زائران باشد.[۲] از نظر وی، هر کس از ترتیب و نگارش این کتاب آگاه شود، به سبب اختصار و حجم اندک آن، تفاوت و امتیازش را در مقایسه با آثار دیگر، درک می‌کند.[۳]

اگرچه ابن طاووس ـ به ادعای خود ـ در نگارش و تدوین چنین اثری با ساختار و ویژگی‌های ویژهٔ خود، گوی سبقت را از دیگران ربوده است،[۴] اما اخبار و گزارش‌ها و شیوهٔ گزینش و چینش مطالبش شباهت‌های بسیاری با *مثیر الأحزان* ابن‌نما دارد، چندان که به یقین می‌توان گفت یکی از دیگری گرفته است، اما این‌که کدام یک برگرفته از دیگری است، داوری در این باره در بدو امر، مشکل به نظر می‌رسد. البته

---

۱. ابن‌عدیم، *ترجمة الإمام الحسین* علیه‌السلام، ص ۱۴۱ ـ ۱۵۶، مقایسه شود بخش مقتل این کتاب با گزارش دینوری در این باره در کتاب: *الاخبار الطوال*، ص ۲۴۷ ـ ۲۶۱.

۲. سید ابن‌طاووس، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، ص ۸۷

۳. همان، ص ۲۳۴.

۴. محمد اسفندیاری، *کتابشناسی تاریخ امام حسین* علیه‌السلام، ص ۸۰ به نقل از: سید ابن طاووس، *الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یخصنی من الاجازات*، ص ۶۵.

برخی قراین حاکی از آن است که ابن‌طاووس از ابن‌نما گرفته است، هرچند ابن‌طاووس نه‌تنها در هیچ جای این اثر به این نکته اشاره نکرده، بلکه ـ چنان‌که گفته شد ـ او در جای دیگر گفته است هیچ کس بر او در نگارش چنین کتابی سبقت نگرفته است. یکی از شواهد چنین دیدگاهی آن است که ابن‌طاووس، ملهوف را در دورهٔ جوانی خویش نگاشته، و به طور طبیعی وی در این زمان، از بضاعت و احاطهٔ علمی چندانی نداشته است تا چنین اثری را سامان دهد، از این رو محتمل است که نگاشته‌ای همانند *مثیر الأحزان* در دست‌رس او بوده و او با بهره‌گیری از ساختار و محتوای مطالب و اخبار آن، اثر خود را نگاشته باشد.

هم‌چنین این ادعا را می‌توان با اندکی بررسی و مقایسه بین گزارش‌های این دو اثر از نظر محتوا و نوع چینش مطالب، تقویت کرد، چراکه گزارش‌های ابن‌نما مفصل‌تر و پای‌بندتر به گزارش‌های کهن از جهت عبارات و تعابیر است، اما گزارش‌های ابن‌طاووس در بسیاری موارد، مختصر و برخی از عبارات، تعابیرِ خودِ نویسنده است.

یکی از گزارش‌های منحصر به فرد سید ابن‌طاووس، حدیث مشهور «مشیت» یا همان گزارش گفت‌وگوی میان محمد حنفیه و امام حسین علیه‌السلام هنگام خروج حضرت از مکه است و دو جملهٔ مشهور حضرت از قول رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله: یکی، «**ان الله شاء أن یراک قتیلا**» در بیان این‌که چرا او از مکه خارج می‌شود؟ و دیگری، «**ان الله شاء أن یراهنّ سبایا**» در پاسخ این‌که چرا حضرت زنان را همراه خود می‌برد؟[1]

اگرچه این گزارش در هیچ منبع موجود متقدم بر ملهوف نیامده است، اما بنابر برخی از نسخه‌های ملهوف، ابن‌طاووس این گزارش را از منبع کهنی به نام «اصل احمد بن حسین بن عمر بن بریده» که اساساً اصل یاد شده از شخص دیگری به نام محمد بن داود قمی بوده، نقل کرده است.[2]

افزون بر این، برخی از گزارش‌های این نگاشته، برگرفته از مقتل خوارزمی است

---

۱. سید ابن‌طاووس، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، ص ۱۲۷.

۲. همان.

که ـ چنان‌که گفته شد ـ خوارزمی نیز از فتوح ابن‌اعثم گرفته است، چنان‌که جملهٔ مشهور «ما رایت الّا جمیلا»[1] منسوب به حضرت زینب علیها السلام، برگرفته از مقتل خوارزمی است که او نیز از ابن‌اعثم گرفته است.

۳۵. کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام؛ علی بن عیسی اِربلی (م ۶۹۲ ق)

اربلی این اثر را در قرن هفتم و به منظور گزارش تاریخ امامان علیهم السلام نگاشته و بخشی از مطالب اثر خود را که نزدیک به یک چهارم جلد دوم است[2] به شرح زندگی امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا (در قالب دوازده فصل و یک بحث دربارهٔ امور واقع شده پس از شهادت حضرت) اختصاص داده است. عناوین فصول چنین است: ۱. در ولادت امام حسین علیه السلام، ۲. در نسب حضرت، ۳. در نام‌گذاری وی، ۴. در کنیه و لقب او، ۵. در آن‌چه از پیامبر در حق و دربارهٔ امامتش وارد شده است، ۶. در شجاعت و بزرگواری حضرت، ۷. در بخشش او، ۸. در بیان سخن او، ۹. فرزندان وی، ۱۰. عُمر حضرت، ۱۱. در خروج حضرت به سوی عراق، ۱۲. در کشته شدن وی.

بنابر گفتهٔ خودش، جلد نخست این کتاب را که مربوط به زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است، در سال ۶۷۸ ق[3] و جلد دوم آن را که مربوط به زندگی حضرت زهرا علیها السلام و امامان دیگر است در سال ۶۸۷ ق به پایان رسانده است.[4] وی در نگاشتهٔ خود از منابعی، از قبیل *مقتل الحسین* واقدی، *ترجمة الحسین و مقتله* ابن‌سعد، *کتاب الفتوح* ابن‌اعثم، *الارشاد* شیخ مفید، *حلیة الاولیاء* ابونعیم اصفهانی،

---

۱. همان، ص ۲۰۱. برای آگاهی از شخصیت، زندگی اربلی و کتاب *کشف الغمه* و دیگر آثار او، ر.ک: رسول جعفریان، *علی بن عیسی اربلی و کشف الغمه*، و نیز اربلی، *کشف الغمه*، مقدمه محقق کتاب، ج ۱، ص ۷ ـ ۱۴۵.

۲. اربلی، *کشف الغمه فی معرفة الائمه*، ج ۲، ص ۴۲۹ ـ ۵۵۴.

۳. همان، ص ۱۳۶.

۴. همان، ج ۱، مقدمهٔ محقق، ص ۶۴. اما شیخ آقا بزرگ، تاریخ نگارش آن را سال ۶۸۲ ق دانسته است (همان، ج ۱۸، ص ۴۷).

*تاریخ موالید الائمه*علیهم‌السلام *و وفیاتهم* ابن‌خشاب، *مطالب السؤول* محمد بن طلحه شافعی، *معالم العترة الطاهره* عبدالعزیز بن اخضر جنابذی (گنابادی) و... بهره برده است. البته بسیاری از مطالب این بخش را از دو منبع اخیر، نقل کرده است.

از آن‌جا که شیوهٔ نگارش اربلی گردآوری اخبار از منابع مختلف است، تنظیم مطالب آن نیز با توجه به منبع مورد استفاده، تفاوت دارد. برای مثال، در برخی موارد، سلسلهٔ راویان خبر را آورده و در مواردی مطالب را به شیوهٔ ترکیبی آورده است. نثر اربلی، مسَجَّع و ادیبانه است. او در برخی موارد نیز بخشی از نگاشتهٔ کتاب *مطالب السؤول* ابن‌طلحه شافعی را که نثر او نیز مسجّع و ادیبانه است، نقل کرده و مطالب خود را پیش یا پس از او، همانند قلم و نثر وی آورده است.[۱]

او در چند جا، اشعاری را از دیوان ابومخنف آورده است[۲] که معلوم می‌شود در آن عصر، دیوانی منسوب به ابومخنف نزد وی بوده و او از آن‌جا نقل کرده است، چنان‌که در جای دیگر گفته است که ابومخنف شعر معروف «غدر (کفر) القوم و قدما رغبوا» را در دیوانش نیاورده است.[۳]

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

۳۶. الکامل فی السقیفه؛ (کامل بهائی) حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری، مشهور به «عمادالدین طبری» (زنده تا ۷۰۱ ق)

طبری چنان‌که خود گفته است این اثر را نزدیک به دوازده سال، تدوین و نگارش کرده و در سال ۶۷۵ ق آن را به پایان رسانده است.[۴] این کتاب در ۲۸ باب که هر بابی شامل چند فصل است، فراهم آمده است. او فصول پایانی کتاب، یعنی فصل هفدهم و هیجدهم را از باب بیست و هفتم، و شش فصل اول از هفت فصل باب بیست و هشتم را در قالب ۳۴ صفحه، به گزارش واقعهٔ کربلا از آغاز تا فرجام، اختصاص داده است.

---

۱. برای نمونه، ر.ک: اربلی، همان، ج ۲، ص ۴۴۹ ـ ۴۶۸، فصل‌های مربوط به علم، شجاعت و بخشش امام‌علیه‌السلام.
۲. همان، ص ۴۸۲ ـ ۴۸۹.
۳. همان، ص ۴۸۹.
۴. عمادالدین طبری، *الکامل فی السقیفه*، ج ۲، ص ۳۰۶.

او درگزارش این واقعه، بدون آنکه سخنی از منابع مورد استنادش به میان آورد، عمدتاً همان گزارش‌های مشهور منابع کهن را آورده است، اما در مواردی، برخی از گزارش‌ها را آورده که در منابع کهن یافت نمی‌شود. برای نمونه، وی درگزارش خروج امام حسین علیه‌السلام از مدینه، نوشته است که حسین علیه‌السلام همهٔ بنی‌هاشم را به جز محمد حنفیه، بر ۲۵۰ شتر سوار کرده و به قیس بن سعد بن عباده گفت که با دویست نفر از عقب وی بیاید تا اگر مأموران حاکم مدینه درصدد دستگیری آنان باشد، آنان به همراه حضرت بر فرستادگان حاکم مدینه یورش برده و همگی را بکشند![1] هم‌چنین جریان بریدن سر امام از قفا،[2] دفن بدن حر بن یزید ریاحی توسط خویشانش در محل شهادتش،[3] گزارش قول دیگر دربارهٔ دفن شهدا توسط یهودیان ساکن در نزدیکی کربلا،[4] ورود اسرای اهل‌بیت علیهم‌السلام در شانزدهم ربیع‌الاول[5] و وفات حضرت ام‌کلثوم در دمشق[6] از دیگر گزارش‌های منحصر به فرد طبری است.

نتیجه‌گیری

از بررسی آثار مربوط به واقعهٔ عاشورا که در این مقطع نگاشته شد، این نتیجه به‌دست می‌آید که مقاتل و آثاری که از قرن دوم تا هفتم نگاشته شده از نظر قدمت، اعتبار و اتقان گزارش، از ارزش و اعتبار، برخوردار هستند. این امر از آن روست که مورخان اولیهٔ تاریخ عاشورا، همانند ابومخنف، هشام کلبی و...، واقعهٔ عاشورا را در قالب روایت و با ذکر اسناد، گزارش کرده‌اند. البته به تدریج مورخانی همانند بلاذری، دینوری، یعقوبی و شیخ مفید پای به عرصهٔ وجود گذاشتند که به سبب رعایت اختصار، ضمن مطالعه و بررسی در اخبار متعدد و مفصل، وگاه ناهم‌خوان و

۱. همان، ص ۲۷۱.
۲. همان، ص ۲۸۷.
۳. همان.
۴. همان، ص ۲۸۸.
۵. همان، ص ۲۹۳.
۶. همان، ص ۳۰۲.

متناقض در تاریخ عاشورا، ضمن گزینش، تلفیق و ترکیب و حذف تفاصیل و اسناد آن‌ها، گزارش‌های مربوط به این واقعه را به اختصار روایت کردند، البته با مقایسهٔ گزارش‌های این دسته از مورخان با اخبار مورخان و مقتل‌نوسان اولیه، هم‌گونی و هم‌سویی میان این دو نوع روایت، در بیشتر موارد دیده می‌شود. در این میان، برخی از مورخان همانند ابن‌اعثم کوفی ـ به سبب استعداد و ذوق خاص خویش در داستان‌سرایی و قصه‌پردازی ـ برخی اخبار را دربارهٔ این حادثه افزوده است که در گزارش‌های کهن، یا اساساً وجود ندارند و یا با آن تفصیل و در قالب قصه‌پردازی، نمی‌توان یافت. از این‌رو بایستی در بهره‌گیری از این گونه روایات، با احتیاط رفتار کرد. اما به هر تقدیر، عمدهٔ منابع تاریخ عاشورا تا قرن هفتم، از اعتبار و ارزش قابل توجهی برخوردارند. اما از قرن هشتم به بعد، به سبب استیلای ویرانگر و فرهنگ‌سوز مغولان بر قلمرو حکومت اسلامی، و نابودی بخش بزرگی از میراث علمی مسلمانان و به‌ویژه شیعه که از جمله، برخی از منابع معتبر تاریخ عاشورا بود و اعتماد و بهره‌گیری بسیاری از مورخان این مقطع از منابع ضعیف و غیر قابل اعتماد، در کنار رو آوردن به نقل داستان‌ها و افسانه‌های جعلی و غیر قابل اعتماد، آثار مقطع یاد شده، از اعتبار چندانی برخوردار نیست و تنها اخبار و گزارش‌های نقل شده از منابع کهن و معتبر در آثار یاد شده، قابل اعتنا و اعتماد است.

فهرست منابع

۱. آقا بزرگ تهرانی، محسن بن علی بن محمدرضا، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.

۲. ابن ابی‌طیفور بغدادی، ابوالفضل بن ابی‌طاهر، *بلاغات النساء*، قم، منشورات مکتبة بصیرتی، [بی‌تا].

۳. ابن‌اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار الکتاب العربی، [بی‌تا].

۴. ــــــــــــ ، *اسد الغابه فی معرفة الصحابه*، تهران، انتشارات اسماعیلیان، [بی‌تا].

۵. ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد بن علی، *کتاب الفتوح*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق.

۶. ابن تغری بردی اتابکی، جمال‌الدین ابوالعباس یوسف، *النجوم الزاهره فی احوال ملوک مصر و القاهره*، قاهره، وزارة الارشاد القومی، [بی‌تا].

۷. ابن‌جوزی، عبدالرحمان بن علی بن محمد، *المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

۸. ابن‌حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۹. ابن‌خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم بن ابی‌بکر، *وفیات الاعیان و أنباء أبناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار الثقافه، [بی‌تا].
۱۰. ابن‌سعد، محمد، *ترجمة الامام الحسین*علیه‌السلام *و مقتله*، تحقیق سیدعبدالعزیز طباطبایی، قم، مؤسسة اهل البیت لإحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.
۱۱. ابن‌شهرآشوب، ابوجعفر محمد بن علی، *مناقب آل ابی‌طالب*، تحقیق یوسف بقاعی، [بی‌جا]، انتشارات ذوالقربی (افست دار الاضواء)، ۱۳۷۹.
۱۲. ابن‌عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفة الاصحاب*، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۱۳. ابن‌عبد ربه اندلسی، احمد بن محمد، *العقد الفرید*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن‌عدیم، احمد بن ابی‌جراده حلبی، *ترجمة الامام الحسین*علیه‌السلام *از کتاب: بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تصحیح سیدعبدالعزیز طباطبایی، تحقیق محمد طباطبایی، قم، دلیل ما، ۱۴۲۳ق.
۱۵. ابن‌عساکر دمشقی، ابوالقاسم علی بن حسن ابن هبةالله، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.
۱۶. *ترجمة ریحانة رسول الله الامام الحسین*علیه‌السلام *از: تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق محمدباقر محمودی، قم، مجمع إحیاء الثقافة الاسلامیه، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابن‌فتال نیشابوری، محمد، *روضة الواعظین*، تحقیق سیدمحمدمهدی سیدحسن خرسان، قم، منشورات الرضی، [بی‌تا].
۱۸. ابن‌ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی‌یعقوب اسحاق، *کتاب الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، [بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا].
۱۹. ابن‌نما حلی، نجم‌الدین محمد بن جعفر، *مثیر الأحزان*، نجف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۶۹ق.
۲۰. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد، *مقاتل الطالبیین*، با مقدمهٔ کاظم مظفر، قم، مؤسسه دار الکتاب، ۱۳۸۵ق.
۲۱. اربلی، علی بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفة الائمه*، تحقیق علی فاضلی، [بی‌جا] ، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۴ق.
۲۲. اسفندیاری، محمد، *کتابشناسی تاریخی امام حسین*علیه‌السلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
۲۳. امین عاملی، سیدمحسن، *اعیان الشیعه*، تحقیق حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
۲۴. امینی نجفی، عبدالحسین، *الغدیر*، چاپ پنجم: تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۲۵. بلعمی، ابوعلی محمد، *تاریخنامهٔ طبری*، تصحیح محمد روشن، چاپ اول: تهران، سروش، ۱۳۷۷.
۲۶. ــــــــــــ ، *قیام سیدالشهداء حسین بن علی*علیه‌السلام *و خون‌خواهی مختار*، به‌کوشش محمد سرور مولایی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ و نیز تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
۲۷. تمیمی، محمد بن احمد بن تمیم، *کتاب المحن*، تحقیق یحیی وهیب جبوری، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ق.

۲۸. جعفریان، رسول، *علی بن عیسی اربلی و کشف الغمه*، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۹. جوان‌آراسته، امیر، «قاضی نعمان و مذهب او»، *فصلنامهٔ هفت آسمان*، سال سوم، شمارهٔ نهم و دهم، ۱۳۸۸.
۳۰. جودکی، حجت‌الله، *قیام جاوید: گردانیدهٔ مقتل الحسین علیه‌السلام ابی‌مخنف*، چاپ اول: تهران مؤسسهٔ فرهنگی انتشاراتی تبیان، ۱۳۷۷.
۳۱. حموی، یاقوت بن عبدالله، *معجم الادباء*، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۳۲. خوارزمی، موفق بن احمد بن محمد، *المناقب*، تحقیق مالک محمودی، چاپ دوم: قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۳۳. *مقتل الحسین علیه‌السلام*، تحقیق محمد سماوی، قم، دار انوار الهدی، ۱۴۱۸ق.
۳۴. ذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، *سِیَر أعلام النُبَلاء*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، مؤسسة الرساله، ۱۴۱۳ق.
۳۵. ــــــــــــ ، *میزان الاعتدال*، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار المعرفه. ۱۳۸۲ق.
۳۶. رفاعی، عبدالجبار، *معجم ماکتب عن الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل البیت علیهم‌السلام*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱.
۳۷. سبط ابن‌جوزی، یوسف بن قزغلی بغدادی، *تذکرة الخواص من الامة بذکر خصائص الائمه*، تحقیق حسین تقی‌زاده، [بی‌جا]، مرکز الطباعة و النشر للمجمع العالمی لاهل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۲۶ق.
۳۸. سید ابن‌طاووس، رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر، *الملهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (حسّون)، [بی‌جا]، دار الاسوه، ۱۳۸۳.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *بغیة الوعاء فی طبقات اللغویین و النحاة*، چاپ اول: تصحیح محمدامین خانجی، مصر، مطبعة السعاده.
۴۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، *الامالی*، تحقیق مؤسسة البعثه، قم، مؤسسة البعثه، ۱۴۱۷ق.
۴۱. ــــــــــــ ، *من لایحضره الفقیه*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، منشورات جماعة المدرسین، ۱۴۰۴ق.
۴۲. طباطبایی، سیدعبدالعزیز، *اهل البیت علیهم‌السلام فی المکتبة العربیه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.
۴۳. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
۴۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *استشهاد الحسین علیه‌السلام* (به ضمیمهٔ رسالهٔ رأس الحسین ابن تیمیه)، به کوشش و تحقیق سید جمیلی، بیروت، دار الکتاب العربی، ۱۴۱۷ق.
۴۵. ــــــــــــ ، *تاریخ الرسل و الامم و الملوک*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ق.
۴۶. طبری، حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن، *الکامل البهائی فی السقیفه*، قم، مؤسسهٔ طبع و نشر، [بی‌تا].
۴۷. فاسی مکی، تقی‌الدین محمد بن احمد حسنی، *العقد الثمین فی تاریخ البلد الأمین*، تحقیق فؤاد سید، قاهره، ۱۳۸۷ق.

۴۸. قاضی نعمان مغربی، ابوحنیفه نعمان بن محمد، *شرح الأخبار فی فضائل الائمة الاطهار*علیهم‌السلام، تحقیق سیدمحمد حسینی جلالی، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
۴۹. قرشی، عبدالقادر بن ابی‌الوفا، *الجواهر المضیئه*، هند، ۱۳۳۵ق.
۵۰. قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف، *إنباه الرواة علی أنباه النحاة*، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۳۷۴ق.
۵۱. قمی، عباس، *الکنی و الالقاب*، تقدیم محمدهادی امینی، تهران، مکتبة الصدر، [بی‌تا].
۵۲. *قیام امام حسین*علیه‌السلام، برگزیده از: *کتاب الفتوح*، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
۵۳. لکنوی هندی، محمد بن عبد الحیّ، *الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه*، [بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا].
۵۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۵۵. مجهول، *مقتل الحسین*علیه‌السلام، تحقیق رسول جعفریان، *فصلنامهٔ تراثنا*، شمارهٔ ۶۸، ۱۴۲۲ق.
۵۶. مُحَلّی، حمید بن احمد بن محمد، *الحدائق الوردیه فی مناقب الائمة الزیدیّه*، تحقیق مرتضی بن زید محطوری حسنی، چاپ اول: صنعاء، مکتبة بدر، ۱۴۲۳ق.
۵۷. مِزّی، جمال‌الدین ابوالحجاج یوسف، *تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، تحقیق بشار عواد معروف، [بی‌جا]، مؤسسة الرساله، ۱۴۰۶ق.
۵۸. مستوفی هروی، محمد بن احمد، *ترجمه الفتوح*، تصحیح غلامرضا مجد طباطبایی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۵۹. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق سعید محمد لحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۱ق.
۶۰. مسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب الامم و تعاقب الهمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، چاپ دوم: تهران، سروش، ۱۳۷۹.
۶۱. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، تحقیق مؤسسهٔ آل البیت*علیهم‌السلام، قم، مؤسسهٔ آل البیت*علیهم‌السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ق.
۶۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، *البدء و التاریخ*، بورسعید، مکتبة الثقافه، [بی‌تا].
۶۳. موسوی خوانساری، محمدباقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*، تحقیق اسماعیل اسماعیلیان، قم، مکتبهٔ اسماعیلیان، [بی‌تا].
۶۴. نیشابوری هندی، میرحامد حسین، *عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار*علیهم‌السلام، قم، منشورات مدرسة الامام المهدی(عج)، ۱۴۰۶ق.